



انترناسیونال ۳۷۲

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۷ آبان ۱۳۸۹، ۲۹ اکتبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: کاظم نیکخواه

زندگی انسانی حق مسلم ماست

آنها میخواهند، آن را بیندیشیم که آنها میخواهند، از ثروتها هیچ نخواهیم و بی عدالتی ها و ثروت اندوزی اقلیت بی خاصیت مفتخور و حریص را بعنوان مشیت الهی بپذیریم. نان را از سفره هایمان برگرفته اند، حسرت و محرومیت را به سرپای وجود کودکانمان رانده اند. صفحه ۴

حکومت چنگال خود را بر جامعه ما افکنده است و با بیرحمی ای باور نکردنی تلاش میکند هرچه بوی انسانیت میدهد را از ما بگیرد. شمشر مذهب و خرافه و سنتهای عهد عتیق را برافراخته اند و ما را موجوداتی ناقص العقل و بدون شعور می پندارند که باید آنگونه باشیم که

از آن همه ماست. میخواهیم در رفاه و شادی، با منزلت و حرمت انسانی زندگی کنیم. میخواهیم جامعه ای بسازیم که در آن منزلت و آزادی و رفاه حق بی چون و چرای همه شهروندان است. بیش از سی سال است یک لشکر بیرحم جهل و چپاول بعنوان

این شعاری است که ما کارگران و معلمان در اعتصابات و تجمعاتمان بارها فریاد زده ایم. ما کارگریم، معلم پرستاریم، بیکار شدگانیم، باز نشستگانیم، زنیم، مردیم، دختریم، پسریم، مردمیم انسانهاییم. جامعه ماییم. برده و بنده کسی نیستیم. ثروتهای جامعه



آلمان و اسلام سیاسی یک سیاست مهلک

مینا احدی

شوتر سخنگوی حقوق بشر حزب لیبرال و عضو کمیسیون روابط خارجی و کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان، طی نامه ای سرگشاده به مینا احدی پاسخ میدهد. نوشته مینا احدی و پاسخ مارینا شوتر را در اینجا میخوانید :

صفحه ۱۱

تاکیداتی بر جوهر تحولات ایران

مصطفی صابر

فیزیکی را غیر ممکن کرده است، توقف و فلج کل اقتصاد، نوعی فروپاشی اقتصادی که حتی نه در دوره بحران های معمول اقتصادی بلکه تنها در زمان جنگ و قحطی و مصیبت های عظیم

صفحه ۲

جهان به اکتبر دیگری

نیازمند است

به مناسبت نود و سومین سالروز

انقلاب اکتبر



کاظم نیکخواه

اقتصاد جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است!

سوسیالیسم راه نجات ما مردم است، (صفحه ۱۰)

صفحات دیگر

پیام حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران و مردم فرانسه!

صفحه ۱۰

سایت اینترنتی ویکی لیکس و پایان دوره انحصار اخبار

احمد فاطمی، صفحه ۶

"فلسفه توحش" و همایش جهانی فلسفه ۲۰۱۰

بهروز مهر آبادی، صفحه ۸

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، اخباری از

اعتراضات کارگری، صفحه ۹

استقبال از سخنرانی مینا احدی در مانهایم آلمان، صفحه ۷

حکومت اسلامی سجاد و هوتن را شکنجه کرده است هوتن و دو خبرنگار آلمانی به زندان تبریز منتقل شدند، صفحه ۷

افشای گوشه ای از بده بستان های مافیای ایران و افغانستان

صفحه ۷

نقشه شوم حکومت برای رسمیت دادن به

سیستم کار مزدی

شود، خبر داد. طبعاً معاون وزیر کار جمهوری اسلامی بنام حمید حاجی عبدالوهاب و همه جانیان اسلامی، مجوز همه طرحهای ضد انسانی و جنایتکارانه شان را

صفحه ۱۲

شهادت دانشفر
اخبرا معاون وزیر کار جمهوری اسلامی در گفتگو با خبرگزاری مهر از تغییر نظام روز مزدی به کار مزدی که قرار است در قالب اصلاحیه قانون کار ارائه

بازتاب هفته

حکم اعدام طارق عزیز هدیه ای به جمهوری اسلامی

بهروز مهر آبادی

سرنوشت نامعلوم مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران

بهروز مهر آبادی

تلاشی عبث در مقابل جنبشی عظیم

یاشار سهندی

آرزوهای وزیر صنایع جمهوری اسلامی

غلام اکبری

صفحات ۵-۴

وقتی که آخرین تکه پاره های دیوار برلین از جا کنده شد و دو سوی برلین به هم وصل شدند، غریب شادی از مدیای بورژوازی جهان برخاست. گفتند "هیولای کمونیسم" به پایان رسید و با فروپاشی شوروی و بلوک شرق ظاهراً همه میبایست پایان تاریخ و ابدی بودن سرمایه داری و بسته شدن پرونده کمونیسم و انقلاب اکتبر را باور میکردند. اما دو سه سالی نگذشته بود که بحران جهانی سرمایه در اوایل دهه نود زنگ تردید جدی نسبت به کل این جنجال را به صدا در آورد. و دو سال پیش یعنی اواخر سال ۲۰۰۸ وقتی که بحران عظیم مالی جهانی وحشت مرگ سرمایه داری را جلوی چشم تمام سردمداران جهان قرار داده بود، همان رسانه ها تیتیر زدند "مارکس حق داشت". رسانه های دست راستی ای نظیر اکونومیست و نیوزویک نوشتند سرمایه داری به پایان رسیده است و راه دیگری نیز وجود ندارد. و تمام رسانه های بستر رسمی همان را

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تاکیداتی بر جوهر ... از صفحه ۱



مصطفی صابر

انزوا بی سابقه جمهوری اسلامی در سطح جهانی است. تا پیش از این، علیرغم رجزخوانی های گاه تند، جمهوری اسلامی بهر حال در حاشیه اقتصاد و سیاست جهان قادر به بقاء بود. اما این دایره روز به روز تنگ تر میشود. از لحاظ اقتصادی رژیم اسلامی بویژه با روابطش در بازار سیاه گذران میکرد، اکنون حتی از بازار سیاه هم بیرون انداخته میشود. نه فقط رسماً و در قطعنامه های سازمان ملل و تحریم های یکجانبه آمریکا و اروپا و ژاپن و کره جنوبی و امارات و غیره روابط تجاری و اقتصادی با جمهوری اسلامی قطع میشود، بلکه روابط "زیر میزی" نیز فعالانه افشاء و محدود میشود. تحریم ها در عین اینکه روزگار سیاه مردم را بشدت سیاه تر کرده، اکنون دو شاه‌رگ حیاتی اقتصاد جمهوری اسلامی را نشانه رفته است، گردش مالی که مبنای همه معاملات صنعتی و تجاری و تحرک اقتصاد است، و صنعت نفت که منبع اصلی درآمد رژیم است. بعلاوه از لحاظ سیاسی هم روز به روز جمهوری اسلامی مورد انزوا بی سابقه قرار میگیرد. حتی روسیه و چین و برزیل و نظیر آنها از جمهوری اسلامی فاصله میگیرند. برای اولین بار عناصر حاکم رژیم نه بخاطر دخالت در "مساله اتمی" بلکه بخاطر "نقض حقوق بشر" در لیست تحریم های بین المللی قرار میگیرند. یا در کمپین نجات سکینه شاهد بودیم که بسیاری از سران دولت ها و نمایندگان مجالس و شهردارها و میدیا و شخصیت های سرشناس بورژوازی خود را با جنبش عظیمی که برای نجات سکینه و بر علیه رژیم سنگسار براه افتاد همراه کردند. در یک کلام اصل "جمهوری اسلامی رفتنی است" بطور ناگزیر و عینی مبنای سیاست پراگماتیستی بورژوازی جهانی نیز قرار میگیرد.

۴- حکومت "امنیتی". جمهوری اسلامی تماماً و صرفاً به حکومت دسته های اوباش مسلح، متکی بر

دروغ های شاخدار، تهدید و ارعاب دائمی مردم و سرکوب وحشیانه هرگونه مخالفتی تحول یافته است. این شده است تمام رابطه حکومت و مردم. همه چیز در این رژیم "امنیتی" است و یا بلافاصله "امنیتی" (یعنی به مساله ای مستقیماً بر سر بقاء نظام) تبدیل میشود. از اقدامات عادی پلیس راهنمایی گرفته تا طرح "جراحی اقتصادی" و تا اعتصابات کارگری که بعنوان "فتنه اقتصادی" برای آن خط و نشان کشیده میشود؛ از اظهار نظر و فتاوی مراجع گرفته تا انجام مناسک مذهبی درویش و بهایی ها و یا نماز جماعت خواندن ملی مذهبی ها؛ از جمع شدن مردم برای فوتبال یا تفریح در پارک و کوه کمر گرفته تا اجتماعات ساده شعر خوانی و موسیقی و تا مراسم های دولتی نظیر نماز جمعه ها و جشنواره ها و غیره؛ از راه رفتن دختران و پسران در خیابان گرفته تا نفس جمع شدن دانشجویان در دانشگاه و یا حتی تدریس "علوم اجتماعی" همه چیز "امنیتی" است. جمهوری اسلامی همواره این عنصر "امنیتی" برایش اولویت داشته است، ولی اکنون تنها روش حکومت برای بقاء خویش است. این یک کیفیت جدید است. جمهوری اسلامی به معنایی که حتی دو سال پیش همه دست اندکارانش کمابیش بر آن توافق داشتند، دیگر وجود خارجی ندارد. ما با یک حکومت تماماً "امنیتی" روبرو هستیم که لاشه گنبدیده جمهوری اسلامی قدیم روی دستش مانده و میکوشد تعبیر و تفسیر جدیدی از آن بدهد. اما در محور این تفسیر جدید نیز تعیین تکلیف با همین مساله "امنیت" یا بعبارت دیگر بود و نبود نظام قرار دارد.

۵- و بالاخره و مهمتر از همه نفرت و انزجار مردم در ایران و جهان علیه جمهوری اسلامی. هیچوقت در ۳۱ سال گذشته جمهوری اسلامی تا این درجه مورد نفرت مردم نبوده است. هیچ چیز جمهوری اسلامی هیچ اعتباری ندارد و توده های مردم در ایران علناً به رژیم بد و بیراه میگویند، آرزوی سرنگونی آنرا علناً اعلام میکنند. جز در صدا و سیما و محافل اوباش کرایه ای و ساندیس خورها هیچ کجا نه فقط کسی از رژیم دفاع نمی کند که دفاع از آن

بمعنای انزوا و طرد شدن در بین مردم است. در بین جامعه ایرانی خارج کشور و در سطح جهانی هم در افکار عمومی همینطور است. برای مثال علت پایه ای جهانی شدن کمپین نجات سکینه در واقع همین انزجار جهانی علیه جمهوری اسلامی است که ثمره مستقیم حمایت و شوق جهانی از قهرمانی های مردم ایران در جریان انقلاب سال ۸۸ است. در هر حال علیرغم همه جنایت، ارعاب و رجزخوانی حکومت اسلامی، مردم گرچه بخاطر سببیت نظام محتاط شده اند اما بیش از هر زمانی در طول تاریخ جمهوری اسلامی در ابعاد عظیم و توده ای مترصد فرصت اند تا تکلیف آن را یکسر کنند.

اگر اینها را مولفه های عینی اوضاع بدانیم (که البته خلاصه و به مهمترین آنها اشاره شد) سوال این است که این اوضاع را چگونه باید توضیح داد؟

در پاسخ، بحران مزمن و همیشگی جمهوری اسلامی را فرض میگیریم. بحرانی که همزاد جمهوری اسلامی بوده است. وجوه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن بارها در ادبیات ما توضیح داده شده است. ولی آن "بحران جمهوری اسلامی" گرچه پایه و مبنای وضع کنونی هست اما همه ظرائف آن را توضیح نمی دهد. بعلاوه، این درست که اوضاع امروز ایران در پی تحولات یکدهه اخیر و بخصوص در ادامه "جنبش سرنگونی طلبی" است که از اواخر دوره رفسنجانی و دوره خاتمی شروع شده است. اما ما اکنون با یک وضعیت متفاوت روبرو هستیم که مثلاً دو سال پیش برقرار نبود. جامعه ایران از خرداد ۸۸ وارد دوره ای از تحولات اجتماعی شد که مشخصه اصلی آن دخالت مستقیم و میلیونی مردم بر سر حل و فصل قدرت سیاسی است. بعبارت دیگر توده های وسیع مردم و بخصوص نسل جوان برای حل "بحران جمهوری اسلامی" به نیروی خودشان و به نفع خودشان مستقیماً وارد صحنه شدند. بحران جمهوری اسلامی خود به خود و بدون خرداد ۸۸ و تحولات بعد از آن به جایی که امروز رسیده است نمی رسید. "جنبش سرنگونی طلبی" که قبلاً وجود داشت اکنون به یک جنبش انقلابی سرنگونی طلبی

ارتقاء یافته است و این کلید درک صحیح اوضاع ایران است.

این دوره انقلابی که از خرداد ۸۸ شروع شد، تمام نشده است. در واقع تازه شروع شده است. آنچه که در بطن همه وقایع امروز حکم میراند همین واقعیت به میدان آمدن میلیونی مردم برای حل و فصل مساله قدرت یعنی جوهر تحولات بعد از خرداد ۸۸ است. اگر بحران جمهوری اسلامی بنا به مشاهدات بالا در همه جوانب بر مراتب شدیدتر شده اساساً و بطور بلافصل به دلیل اتفاقی است که بعد از خرداد ۸۸ رخ داد. البته دوره بعد از خرداد ۸۸ فراز و نشیب داشته است. در این دوره در مقطعی نظیر ۶ دی مردم تا مرز درهم شکستن قوای سرکوب در تهران و بهم زدن قطعی توازن قوا به نفع خود پیش رفتند، اما نتوانستند و بر عکس این حکومت بود که مقاومت کرد و در ۲۲ بهمن توانست توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد و بعد بشدت تعرض کرد و مردم را رفته رفته از خیابان بیرون راند. اما هیچ مفسر جدی هم نمی گوید که مردم دیگر دست شسته و مایوس شده و به گردش چرخ روزگار به هر طرف رضایت داده اند. اظهارات خود سران حکومت که هر روز اصرار دارند که بگویند "فتنه شکست خورد"، بروشنی نشان میدهد که تهدید بازگشتن مردم به خیابان در کنار همه معضلات عمیق و بنیادی که بالاتر اشاره شد مهمترین و نگران کننده ترین مساله برای سران رژیم است.

اگر بخواهیم این دوره را دقیقتر تعریف کنیم باید بگوییم دوره ای است که فاکتور دخالت میلیونی مردم در حل و فصل مساله قدرت سیاسی (چیزی که در ادبیات مارکسیستی انقلاب گفته میشود) عیناً و بطور مادی وارد اوضاع سیاسی ایران شده است. و پایان این دوره هم وقتی است که این فاکتور عیناً از صحنه بیرون برود. یعنی رژیم به یک ثبات سیاسی برسد، چرخ اقتصاد و انباشت سرمایه به حرکت درآید و مردم هم فکر تغییر حکومت را کنار بگذارند. گرچه ممکن است انقلابی که آغاز شده برای مدتی در شکل خیابانی حضور نداشته باشد،

جهان به اکتبر دیگری

به زبانی تکرار کردند و کتاب کاپیتال مارکس به پرفروش ترین کتاب سال تبدیل شد. آنجا معلوم شد که آن جشن فروریختن دیوار برلین بی پایه بوده است. معلوم شد که هیچکس جز مارکس پاسخ مسائل و مصائب و بن بست و بحران جهان امروز را ندارد. آن بحران سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ را ظاهراً سرمایه داری از سر رد کرده است. اما هرکس که ذره ای موقعیت کنونی سرمایه داری و اقتصادش را عمیقتر دنبال کرده باشد و از جمله خود اقتصاددانان و سیاست‌گزاران و تئوریسینهای بورژوازی میدانند که آن بحران در زیر بطور جدی جریان دارد و عمیق تر میشود و سرمایه داری در شرایط کنونی در بی افقی و بی پاسخی و فقدان کامل استراتژی بسر میبرد و برای نجات خود تنها به معجزه امید دارد. این را فقط ما کمونیستها نمیبگویم. همان رسانه ها و دانشگاهیان و تئوریسینهایشان هرروز به زبانی دارند اعتراف میکنند. بحران خبر فی الواقع تاکید کرد که این نظام بسادگی میتواند در هم فروپریزد و از دولتها و قدرتهای سرمایه داری علیرغم قدرت ظاهرا لایزالشان کار چندی برای مقابله با آن بر نمی آید. نفرت بورژوازی جهانی از انقلاب اکتبر بر خلاف آنچه در بوق و کرنا کردند و میکنند، بخاطر دیوار آهنین و دیکتاتوری استالین و محاکمات نمایشی و زندانیهایش نبود و نیست. این را همه صاحبزنان ضد کمونیست بورژوازی میدانستند که اینها اگر ربطی به انقلاب اکتبر و مارکس و لنین داشت در به شکست کشاندن انقلاب اکتبر تحت نام کمونیسم بود. قدرتها و دولتها و نیروهای بورژوازی خصومتشان با اکتبر از دوره استالین آغاز نشد. برعکس تمام توطئه هایشان را حتی قبل از ۱۹۱۷ بکار گرفتند که بلشویکها و کارگران و مردم محروم بقدرت نرسند. دشمنی عمیق بورژوازی با اکتبر به خاطر نفس به میدان کشیدن توده های میلیونی کارگر و زحمتکش برای به دست گرفتن قدرت بود. خصومتشان به دلیل همین بود که اکتبر مارکس را از کتابها بسیار فراتر برده بود و به صحنه جهان آورده بود. اکتبر کارگر و

از صفحه ۱

زحمتکش را نه فقط در شوروی بلکه در کل جهان تحت سلطه سرمایه "پرو" و پرتوقع کرده بود. اکتبر جنبش حق رای زنان را به جریان انداخته بود. اکتبر جنبش هشت ساعت کار و حق تشکل و شوراهای کارگری را به جریان انداخته بود. اکتبر در یک کلام مردم یعنی اکثریت انسانها را از آنچه رسماً در جوامع آن روز سرمایه داری قلمداد میشدند یعنی "بی سروپاها"، به انسانهای از نظر خود دارای حق زندگی و حق آزادی و حق رای و حق اختیار تبدیل کرده بود. به همین دلیل بود که بورژوازی جهانی علیه استالین و پولپوت و چائوشسکو و امثالهم لشکر کشی نکرد. همین امروز نیز دیکتاتوریهایی وحشیانه تر از اینها در جهان کم نیستند که از جانب همه دولتهای بورژوازی محترم و دوست و همجنس شمرده میشوند. بلکه بورژوازی ارتشهایش را از تمام جهان بر علیه دولت شورایی کارگری، بر علیه کارگران متشکل در شوراهایشان به حرکت در آورد و جنگی رسمی و تمام عیار را از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ از تمام مرزهای شوروی آن زمان آغاز کرد. و به دست همان کارگران و دهقانان و مردم گرسنه و محرومی که تازه از شر ارتجاع تزاری خلاص شده بودند و به قدرت رسیده بودند مغلوب شد. کل بورژوازی جهانی از یک بخش از مردم که تصمیم به آزاد کردن خود گرفته بودند شکست خورد. و این برای همه کارگران و مردم محروم جهان، دوران ساز و زندگی بخش و امید بخش بود. انقلاب اکتبر را بورژوازی و قدرتهای استعماری و سرمایه داری نتوانستند مثل کمون پاریس از رویرو شکست دهند و کارگران را هزار هزار به رگبار ببندند. اکتبر راه پیروزی و امکان پیروزی و افق آزادی واقعی را بروی همه مردم محروم جهان گشود. بورژوازی و سخنگویانش اعتراف میکنند که روزی که ارتشهای فرانسه و انگلیس و رومانی و ژاپن و چین دیگر کشورهای دور و نزدیک سرمایه داری برای به شکست کشاندن انقلاب اکتبر با تمام تجهیزات به حرکت در آمدند و هرکدام از گوشه ای از مرزهای شوروی جنگ زده وارد خاک

تاکیداتی بر جوهر ...

اما هزار و یک چیز دیگر اشاره میکند که تهدیدی مهیب بر بالای سر جمهوری اسلامی و فاکتور اصلی اوضاع است. هرکسی میدانند که جمهوری اسلامی بر آتش فشان آماده فوران نفرت توده هایی که هر دم مترصد به میدان آمدن و نقش ایفاء کردن هستند قرار دارد. و جمهوری اسلامی هر کاری که میکند، هر تقلایی که برای بقاء خود میکند، تنها خطر این فوران را بالا میبرد آنرا مرتفع یا حتی کم خطر نمی کند. در هر حال اوضاع ایران بطور قطع به سمت حل و فصل مساله قدرت سیاسی، یعنی تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی پیش میرود. اما آیا تنها راه حل و فصل مساله قدرت فقط از طریق دخالت میلیونی مردم ممکن است؟ بعبارت دیگر آیا اوضاع ایران فقط راه حل انقلابی با دخالت مستقیم و میلیونی مردم دارد؟ آیا امکان حل بحران جمهوری اسلامی بطرق دیگر و از بالا وجود ندارد؟ این یک سوال پراتیک است. جواب قطعی و از پیشی ندارد. اگر شرایطی فراهم کنند (مثلاً یک جنگ یا یک کودتای عجیب و غریب و

پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری نیز همین قدر حقوقی را هم که بدست آورده است با الهام از انقلاب اکتبر و جنبش سوسیالیستی جهانی است. اکتبر شروع تاریخ واقعی انسان به عنوان انسان، و شروع پایان دوره توحش تاریخ بشری است. دوره ای که حاکمیت اقلیت ستمگر و استثمارگر فرض پذیرفته شده است. سود و ثروت اندوزی اقلیت بی خاصیت سرمایه دار اصل جامعه است. و هر جا که این سوداندوزی به خطر بیفتد همین دولتها و قدرتهای دموکراتیک و متمدن، با حق بیجانبی ای باور نکردنی دستور قربانی کردن زندگی میلیونها نفر را صادر میکنند. حال یا به صورت جنگها و کشتارهای بیرحمانه یا بصورت محروم کردن بازنشستگان و بیکاران و همه کارگران از سهم فقیرانه ای که با الهام از اکتبر و با چنگ و دندان

این کشور شدند و دست به کشتار و توحش و جنایت زدند، از دیوار آهنین و رژیم استالینی و گولاک و آن دیکتاتوریهایی سرمایه داری دولتی در شوروی و بلوک شرق خبری نبود. برعکس دولتهایی که خود در کشور هایشان بی حقوقی عمومی و دیکتاتوریهایی بسیار بدتری از استالین را برقرار کرده بودند، کشوری را مورد تهاجم قرار دادند که برای اولین بار در تاریخ یک جامعه آزادی را حق همه تعریف کرده بود، کارگران و دهقانان و همه مردم را صاحب اختیار جامعه اعلام کرده بود، زنان را از یوغ تبعیض و بی حقوقی خلاص کرده بود، ملت‌های تحت ستم را آزاد کرده بود و تمام قیود استعماری تزاری را دور ریخته بود. این یک حقیقت غیر قابل انکار تاریخی است. میتوانند و توانستند برای چند دهه این حقیقت را زیر پمپاژ دروغ و شارلاتانیسم مخفی کنند. اما وقتی که کارگران جهان برای نجات از بی حقوقی و بی اختیاری و فقر و فلاکتی که سرمایه داری هرروز دارد بیشتر و بیشتر به آنها تحمیل میکنند، به مارکس مراجعه میکنند و ناچارند مراجعه کنند، با عمقی بیشتر از پیش پی میبرند که انقلاب اکتبر، اوجی فراموش نشدنی از جنبش و تلاش طبقاتی خود آنها برای خلاصی بوده است. اکتبر راه نجات بشریت را تا حد زیادی گشوده است. اکتبر افق گسترده و امکانات عظیمی را برای پیشروی باز کرده است و برای دفاع از زندگی هیچ راهی جز بازگشت به درسهای اکتبر و اولین انقلاب کمونیستی نیست. هرکس که می‌خواهد بفهمد اکتبر چه کرد و چه میراثی از خود به جا گذاشت وقتی که از زیر گرد و خاک باقی مانده از دوره جنگ سرد خود را بیرون میکشد، جهان بعد از اکتبر را با دوره قبل از آن یعنی دوره توحش و دیکتاتوریهایی امپراطوریهایی و شرایط غیر انسانی زندگی مردمی که در بیحقوقی کامل و تبعیضات و پایمال شدن و تحقیر و تبعیض پایمال میشدند مقایسه میکند و میفهمد که با اکتبر است که در ابعاد توده ای و جهانی انسان به دوره خود آگاهی خود بعنوان انسان پا گذاشته است. میفهمد که اکتبر تلقی انسانها را از خود تغییر داده است. میفهمد که بشر امروز در

از صفحه ۲

غیره) که بتوانند مردم را از دخالت مستقیم در حل و فصل قدرت کنار بگذارند آنوقت راه حل های دیگر دست بالا خواهد یافت. اما به حکم وضع فعلی حتی در حالت جنگ و وقوع هر بلیه دیگر برای رفع بحران جمهوری اسلامی از بالای سر مردم، باز هم فاکتور دخالت توده های میلیونی طبقه کارگر و مردم برای حل و فصل مسائل به نفع خودشان یک عامل تعیین کننده تحولات خواهد بود. این البته میتواند اشکال بسیار متنوع با نتایجی گوناگون بخود بگیرد. میتواند پیچیدگی ها و مراحل متفاوتی داشته باشد که لازم است جداگانه در مورد آن صحبت کرد و بطور عینی نقش نیروهای سیاسی و جنبش های مختلف در شکل دادن به اوضاع آتی را مورد بررسی قرار دارد. امیدوارم در فرصتی دیگر به اینها هم بپردازیم. اما نکته این یادداشت تاکید بر این بود که انقلاب در ایران گام اول را برداشته است و اکنون دورخیز میکند تا گام های بعدی را بردارد. به پیروزی رساندن آن طبعاً در مرکز همه تلاش های ما قرار دارد. *

تحت عنوان بیمه بیکاری و بیمه بازنشستگی و دستمزد و بیمه های اجتماعی در جدالهای طبقاتی خویش به چنگ آورده اند. وضعیت امروز نظام سرمایه داری در اوج پیشرفت و تکنیک و در اوج شکنندگی آن، بیش از پیش این را تاکید میکند که بشریت ناچار است حتی اگر اکتبر و کمونیسم و مارکس صد بار هم عقب رانده شود، باز هم همین پرچم را بدست گیرد و از زندگی و منزلت و حرمت و آزادی خود در برابر استثمارگران و دیکتاتورها و شارلاتانهای تاریخ دفاع کند. این آن حقیقتی است که امروز ۹۳ سال پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در سهای این انقلاب و خاطره و دستاوردهای این انقلاب را علیرغم تمام خصومت و تبلیغات ملیای جهان سرمایه داری، زنده و آموزنده و پراح نگه میدارد. *

**یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

حکم اعدام طارق عزیز هدیه ای به جمهوری اسلامی



بهرز مهرآبادی

طارق عزیز معاون صدام حسین روز ۴ آبان ۲۰۱۰ در دادگاه عالی جنائی عراق محکوم به اعدام شد. او چندین سال معاون صدام حسین رئیس جمهور عراق و قبل از آن هم به مدت ۸ سال وزیر امور خارجه عراق بود. پس از حمله نظامی آمریکا به عراق و به فاصله کمی پس از سقوط صدام حسین او خود را تسلیم نیروهای آمریکا کرد. طارق عزیز در دو دادگاه برای دو اتهام متفاوت مورد محاکمه قرار گرفت و یک بار به ۱۵ سال و بار دیگر به ۷ سال زندان محکوم شد. وکیل طارق عزیز بدلیل بیماری و کهولت سن تقاضای آزادی او را کرده بود اما در تیرماه امسال دولت آمریکا او را تحویل مقامات عراقی دادند. دادگاه عالی عراق همزمان با صدور حکم برای طارق عزیز برای عبدالحمید حمود منشی مخصوص صدام و سعدون شاکر وزیر کشور او نیز احکام اعدام صادر کرد. اتحادیه اروپا مخالفت خود را با صدور احکام اعدام در عراق اعلام کرد و از آنجا که طارق عزیز مسیحی است واتیکان نیز تقاضای لغو حکم اعدام او را نمود. طارق عزیز یکی از دست اندرکاران اصلی سرکوب و خفقان در عراق بود. هزاران نفر از کمونیست ها و مردم آزادیخواه و برابری طلب در دوران قدرت او زندانی و اعدام شدند. تشکل های کارگری و احزاب و سازمان های اجتماعی سرکوب و از هم پاشیده شدند و رهبران آنها به زندان افتادند. نشریاتی که کوچکترین انتقادی به رژیم داشتند تعطیل شدند. اما دادگاه عالی عراق جرم طارق عزیز را سرکوب و آزار احزاب و گروههای شیعه عراق اعلام کرده است. صدور این حکم بر مبنای جنگ های قومی و مذهبی است که سالها است در عراق جریان دارد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ عقب مانده

حکومتگران فعلی عراق بدون کشتار و سرکوب و بدون صدور احکام اعدام نمی توانند باقی بمانند. به این جنایت سازمان یافته و دولتی باید خاتمه داد. مبارزه برای لغو حکم اعدام در عراق باید گسترش یابد. مبارزه برای لغو مجازات اعدام جزء جدایی ناپذیر و محوری تلاش برای پایان دادن به کشتار و جنایات و ساختن يك جامعه آزاد و سکولار است و نیروهای مترقی و رادیکال در عراق نیز نیز با هر پیچیدگی ای که داشته باشد ناچارند در این راه گام بردارند.*

سر نوشت نامعلوم مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران بهرز مهرآبادی

گروه ۵+۱ بعنوان نمایندگان سازمان ملل برای حل مسئله هسته ای ایران از جمهوری اسلامی دعوت کرد تا در مذاکرات بر سر برنامه های هسته ای ایران در روزهای ۲۴ تا ۲۷ آبان در وین شرکت کند. برگزاری این جلسه از مدتها قبل مطرح بود اما تاریخ آن تعیین نشده بود. احمدی نژاد برای شروع این مذاکرات ۴ شرط مطرح نمود. یکی از این شروط این بود که گروه ۵+۱ هدف خود را از این مذاکرات اعلام کند که قصد دوستی یا دشمنی با ایران را دارد و مهمترین این شروط را می توان موضوعگیری گروه در مورد دسترسی اسرائیل به سلاح هسته ای دانست. اما این پیشنهاد رئیس دولت اسلامی با بی اعتنائی روبرو شد و به گفته ابوالفضل زهره وند معاون دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، حتی برای تعیین زمان و مکان این مذاکرات با حکومت ایران تماس گرفته نشد. سال گذشته آژانس بین المللی انرژی اتمی طرحی مبنی برای مبادله و تامین سوخت پروژه های هسته ای ایران پیشنهاد کرد که بر مبنای آن ایران اورانیوم با غلظت پائین را به روسیه ارسال کند و این سوخت پس از تغلیظ به فرانسه رفته تا تبدیل به میله های سوخت برای مصرف در راکتورها شده و به ایران فرستاده شود. اما دولت ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. بعد از فشارهای آمریکا و اتحادیه اروپا دولت ایران با برزیل و ترکیه موافقتنامه ای امضا کرد تا مبادله سوخت در ترکیه انجام شود.

اعتراض يك دانشجو به کمبود بنزین

صبح روز ۴ آبان ماه ۱۳۸۹ يك دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد چالوس در اعتراض به کمبود بنزین با خر به دانشگاه آمد که این کار موجب بازداشت وی توسط حراست دانشگاه شد.

رژیم خود را نشان خواهد داد و در صورت شرکت در این اجلاس و شکست مذاکرات، تحریم ها بر علیه ایران ادامه یافته و حتی تشدید خواهد شد.

در سطح بین المللی اکنون هماهنگی بی سابقه ای علیه جمهوری اسلامی وجود دارد. اما این بیش از آنکه ناشی از هم نظری و هم خطی قدرتهای بین المللی باشد، نتیجه بن بست جمهوری اسلامی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی است. این اساسا نتیجه خیزش انقلابی مردم در سال ۸۸ و جنبش عظیم بین المللی علیه سنگسار و نجات سکنه است. ۵ دولت عضو شورای امنیت و آلمان، میدانند که راهی برای حفظ جمهوری اسلامی وجود ندارد و همین آنها را عجالتا کنار هم قرار داده است. اما هیچکدام خواست و نقشه ای برای خلاص شدن از این حکومت نیز ندارند. و این يك بن بست است. این بن بست را انقلاب مردم ایران با به زیر کشیدن این حکومت و برپایی يك جامعه و حکومت مردمی و انسانی میتواند بشکند و خواهد شکست و بشریت را علیرغم خواست هر دولتی از شر این نیروی ضد انسانی و تروریست و مرتجع خلاص خواهد کرد.*

زندگی انسانی حق مسلم ماست...

جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان ممنوع است. با گامهایی محکم و عزم و اراده ای آهین به پیش میرویم. آیندگان آن ما مردم است.

زنده باد انقلاب انسانی برای يك جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ - ۵ آبان ۱۳۸۹

خود را صاحب همه چیز میدانند و ما مردم را بی اختیار و بی اراده و بدون حق برخورداری از حداقل معیشت و رفاه میدانند.
کرده ایم و خواهیم کرد. ما انقلابی را آغاز کرده ایم که گرچه هنوز ناتمام مانده است، اما قدرت عظیم ما را به خود ما و به حکومت منحوس و مذهبی سرمایه داران نشان داد. اتحاد میلیونها نفری ما و اراده هگانی مان را متبلور کرد. ما مصممیم که این انقلاب را تا به آخر، تا به زیر کشیدن حکومت مذهبی مفتخوران و رسیدن به اهداف انسانی مان یعنی جامعه ای آزاد و مرفه و برابر تداوم بخشیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست.

بازتاب هفته

تلاشی عبث در مقابل

جنبشی عظیم

یاشار سهندی

تازگی‌ها یکی از "صاحب‌نظران" کشف جالبی کرده است. او می‌گوید: "ایران بر اساس برابری تحولات اجتماعی به طور متوسط در پایان عصر رفرف مذهبی و ابتدای عصر روشنگری قرار دارد." (مجید محمدی- رادیو فردا). او پس از مقایسه بقول خودش "حکومت نوین جمهوری اسلامی" (منظور پس از انتخابات ۸۸) با اروپا در "عصر رفرف مذهبی و ابتدای عصر روشنگری" چنین نتیجه گرفته است: "با توصیفی که از شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران داده شد نمی‌توان انتظار داشت که جامعه ایران دولتی دموکراتیک در حد و اندازه جوامع توسعه یافته داشته باشد. در این شرایط در چارچوب انتظارات نیروهای اصلاح‌گرا، حداکثر آنچه ممکن است یک شبه-دموکراسی پارلمانی در حد ترکیه و حداقل آن یک دیکتاتوری لیبرال (از حیث اقتصادی) در حد کره جنوبی دهی هفتاد یا روسیه در دهه ۲۰۰۰ است." خیلی از رسانه‌ها و دولتها و قدرتها دوست دارند اوضاع به این گونه پیش رود و جدی‌تر از اینها نباشد و به همین دلیل مدام میکروفون جلوی این نوع نظریه پردازان می‌گذارند. بهر حال هرکس هرچیز دوست دارد میتواند خود را فریب دهد اما واقعیت تحولات جامعه ایران چنان توفنده و عظیم است که "صاحب‌نظر" خود حکومت اسلامی نیز نمی‌تواند موضوع اصلی را پنهان کنند و "بر فاقد اثر بودن ابزارهای سیاسی و امنیتی و قضایی" هشدار میدهند. بگذارید نظر یکی از نظریه پردازان حکومت را در این مورد بازگو کنیم. او چنین می‌گوید: "روند آسیب پذیری نهاد دین در جامعه به حدی شتاب یافته است که برخی بزرگان و صاحب نظران از خطر شکل گیری یک جامعه ضد دینی و نه حتی غیر دینی، بلکه سکولار یا لائیک در درازمدت ابراز نگرانی می‌کنند و بر فاقد اثر بودن ابزارهای سیاسی و امنیتی و قضایی در برابر چنین تهدیدی تأکید می‌کنند." این نقل قول دوم از گفته‌های یکی از "صاحب‌نظران" جمهوری اسلامی است به نام "فواد صادقی" که

نظراتش را در سایت حکومتی "آینده نیوز" منتشر شده است. "یادداشت" ایشان هشدار است به حکومت که نباید به "حوادث" بعد از مضحکه انتخابات خرداد ۸۸ "نگاه امنیتی" داشته باشد و به زبان بشری می‌گوید با سرکوب نمیشود جلو روندی را گرفت که شروع شده است. او چنین ادامه میدهد: "...شاید بتوان آسیب دیدن نهاد دین در جامعه را عمیق ترین، مهمترین و اثرگذارترین پیامد حوادث سال ۱۳۸۸ دانست. طبیعی است روندی که منجر به آسیب دیدن نهاد دین در جامعه گردیده است را تنها نمی‌توان نتیجه حوادث سال گذشته و اتفاقات سیاسی رخ داده در کشور دانست. بلکه ناشی از فرآیندی دراز مدت در جامعه بوده است که حوادث سال ۱۳۸۸ نقطه تبلور و شتاب یافتن آن بود. نشانه‌ها و آثار آسیب دیدن نهاد دین را می‌توان در شاخصهای متعددی چون فراگیر شدن بدحجابی و کاهش تقید دینی بخش قابل توجهی از جامعه، رشد شدید استفاده از ماهواره، افزایش قابل توجه مصرف مسکرات و مخدرها در بین جوانان، شیوع روزه خواری و هتک مقدسات و بسیاری از شاخص‌های دیگر مشاهده کرد." ایشان در نوشته‌ای دیگری چنین مینویسد: "در واقع تعداد قابل توجهی از شهروندان بویژه جوانان در ظاهر از رفتار طبیعی برخوردارند و هیچ گونه نشانه اعتراض آمیزی در عملکرد علنی آنها دیده نمی‌شود. اما در باطن دارای احساس ناراضیاتی شدیدی می‌باشند و این ناراضیاتی تنها زمانی بروز می‌یابد که فرد نسبت به امنیت فردی خود پس از اعتراض اطمینان حاصل کند. طبیعی است در این شرایط در زمانها و مکانهای حساس و قابل پیش‌بینی برای نیروهای انتظامی و امنیتی معترضان از بروز احساسات درونی خود صرف نظر کرده و در مواقعی که برخلاف مراسم رسمی، کنترل امنیتی وجود ندارد، احساسات درونی آنها بروز می‌یابد و فردی نظیر علیرضا افتخاری یا یک مجری تلویزیونی یا یک هنرپیشه، تنها به دلیل عملکرد و مواضع شخصی وی که در جامعه ظهور یافته، به نمایندگی از سوی دولت و حاکمیت مورد اعتراض و هجمه قرار می‌گیرد." امیدوارم خواننده خوب دقت کرده باشد که نویسنده "یادداشت" در سایت آینده

تأکید میکند صاحب‌نظران از "شکل گیری یک جامعه ضد دینی و نه حتی غیر دینی، بلکه سکولار یا لائیک در درازمدت ابراز نگرانی میکنند." ایشان به درست تأکید فراوان دارد آنچه در حال وقوع است نه نتیجه انتخابات سال ۸۸ "بلکه ناشی از فرآیندی دراز مدت در جامعه بوده است که حوادث سال ۱۳۸۸ نقطه تبلور و شتاب یافتن آن بود." جمهوری اسلامی اما نه راه پس دارد نه راه پیش هر اقدامی که میکند کمک میکند که این روند شتاب بیشتری بگیرد. این را بخوبی "صاحبان اندیشه" واقف هستند تلاش ایشان کوششی است تا شاید جلوی این روند پر شتاب را بگیرند. جامعه شناسی رادیو فردا که بطور مرتب نظراتش در سایت رادیو فردا منعکس میشود و فواد صادقی نظراتشان هر دو یک جهت دارند. هر دو سعی بسیار دارند که بهر وسیله‌ای شده مانع این تحولات شوند. مقایسه جامعه ایران با "پایان عصر رفرف مذهبی و ابتدای روشنگری" پیام روشنی از جانب ایشان دارد و آن اینکه هنوز خیلی مانده تا جامعه ایران تحول اساسی یابد. داستان همانطور که بیان شد داستان سختی صدسال اول است! نهایت سخاوتمندی این دست "اندیشمندان" این است که "دیکتاتوری لیبرال (از حیث اقتصادی)" را به جامعه ایران وعده دهند که به زبان بشری یعنی به تبع آن یک دیکتاتوری خشن سیاسی یعنی باز هم استثمار بی حد و حصر و بی حقوقی مطلق.

اما واقعیت چیز دیگری است. جامعه ایران نه در پایان عصر رفرف مذهبی و ابتدای عصر روشنگری که در ابتدای قرن بیست یکم است و همه آن تجارب که اروپا از سرگزاردن را با خود دارد. ما تجربه انقلاب کبیر فرانسه، و تمام تجربه انقلابات قرن نوزدهم که اوج آن کمون پاریس بود را داریم. ما تجربه انقلاب اکتبر را داشتیم و نسل ما انقلاب ۵۷ را از سر گذرانده است. جامعه آنطوری نیست که جامعه‌شناسان و صاحبان اندیشه بورژوازی ارائه میدهند که گویا هر جامعه و هر "ملت" جزیره پرتی است که باید خود یکبار همه تاریخ را تجربه کند. این تصویری که ایشان از جامعه میدهند برای این است که نمی‌خواهند شیرازه این "تفرین اجتماعی" (سرمایه داری) از هم بپاشد. اگر همه دنیا در سال گذشته به استقبال جنبش انقلابی مردم ایران آمدند و به پشتیبانی اش برخاستند اگر در مقابل سنگسار

سکینه دنیا قد علم کرده است بخاطر این بوده که این جنبش ناقوس مرگ نهایی نهادهای مانند دین و دولت و جامعه طبقاتی را به صد درآورده است. تلاش سرکوبگرانه جمهوری اسلامی هر چند زخمهای عمیقی بر پیکر جامعه میزند اما نهایتاً کوششی عبث خواهد بود چرا که جامعه ایران آماده است تا رنسانس عظیم تری را شکل دهد و برای همیشه مذهب و جامعه طبقاتی را به زیاله دان تاریخ بسپارد.*

آرزوهای وزیر صنایع جمهوری اسلامی



غلام اکبری

وزرای جمهوری اسلامی چندان هم بی سواد نیستند. هم از آمار خبر دارند و هم از نحوه آمار سازی و دروغ‌پردازی. مشکلاشان اینست که در عصر بلی زندگی میکنند. عصری که اطلاعات و آمار را در عرض سه ثانیه از طریق اینترنت میشد کنترل کرد. به این سخنان وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی که در خبرگزاری ایرنا روز یک‌آبان آمده بود دقت کنید: "...وزیر صنایع و معادن سهم بخش صنعت و معدن ارزش افزوده کشور را بیشتر از ۲۲ درصد و نزدیک به ۲۳ درصد اعلام کرد و گفت: ایران با رسیدن به ۲۵ درصد طبق شاخص‌های ارزیابی، کشوری صنعتی به حساب خواهد آمد. علی‌اکبر محرابیان با اشاره به ارتقای جایگاه ایران در سال ۲۰۰۹ از رتبه ۱۱۰ به ۲۹ جهانی در زمینه رشد تولیدات صنعتی افزود: اگر بخواهیم کشور را با موقعیت جهانی آن مقایسه کنیم می‌توان گفت، کمتر کشوری به این میزان رشد دست یافته است. (عجب!)... وزیر صنایع و معادن گفت: بخش صنعت و معدن توانسته است با وجود توانمندی‌ها و پتانسیل‌ها، بیشترین سهم را در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد و امروز شاهد هستیم بسیاری از پروژه‌های بزرگ کشور با کمک سرمایه‌گذاران خارجی انجام می‌شود." وزیر صنایع و معادن خبر از رشد ۴ برابری صادرات صنعتی و معدنی میدهد. "وزیر صنایع و معادن منابع غنی طبیعی، معادن، انرژی و بیش از

۶۸ نوع ماده معدنی و وجود نیروهای جوان و خلاق را از دلایل افزایش سرمایه‌گذاری طی سالهای اخیر اعلام کرد و افزود: روند رو به رشد صادرات، شرایط بسیار خوب ایران در بازارهای بین‌المللی (این را دوباره بخوانید! شرایط بسیار خوب ایران در بازارهای بین‌المللی!!)، قرار گرفتن در کریدور شمال- جنوب و شرق- غرب منطقه و خاورمیانه و پل ارتباطی اروپا- آسیا و تکمیل زنجیره‌های تولید به خاطر ایجاد ارزش افزوده بالاتر و موقعیت فعلی اقتصاد جهانی، موقعیت ویژه‌ای را جهت رشد سرمایه‌گذاری به وجود آورده است." به این حتی وقاحت هم نمیشود گفت. اراجیف و هذیان‌گویی است. در اوج انزوای بین‌المللی از شرایط بسیار خوب ایران در بازارهای بین‌المللی سخن می‌گوید. در اوج درماندگی اقتصادی از رشد اقتصادی بالا و منحصر بفرد حرف می‌زنند. در منتهای عقب‌ماندگی و ورشکستگی از توانمندی صنعتی اقتصاد ایران به خود می‌بالد. واقعا این جناب وزیر باید مدال رکورد پروری را هم به خود و به حکومتش بدهد. عینا مثل آن وزیر اطلاعات صدام (کمیکال علی) که تانکها پای دیوار وزارت خانه اش رسیده بودند و مجبور شده بود پشت بام خانه اش کنفرانس مطبوعاتی بگذارد اما به خبرنگاران می‌گفت نیروهای مهاجم در حال فرار هستند و ما در خاک کشورهای همسایه داریم آنها را تعقیب میکنیم!

حرفهای وزیر صنایع جمهوری اسلامی بحث زیادی لازم ندارد. فقط باید حرفهای وزرای دیگر و نمایندگان مجلس و بانک مرکزی و کارشناسان خود حکومت را جلوی گذاشت که هر روز می‌گویند اقتصاد ایران در حال ورشکستگی است، می‌گویند رشد تولید منفی است، می‌گویند کارخانه‌ها و مراکز تولیدی در زیر ۳۰ درصد کار میکنند، و می‌گویند مواد اولیه تمام شده است و کارخانه‌ها در حال ورشکستگی هستند. و به همین بهانه هم دستمزد میلیونها کارگر را بالا میکشند. میلیونها نفر را بیکار میکنند، و به همین دلیل چشم طمع به یارانه‌ها دوخته‌اند که نجاتشان دهد. این آدم باید یک فکری به حال این آمار و ارقام و هزاران آمار و فاکت دیگر و اعترافات روسایش بکند یا اگر در قاموس این حکومت واژه شرم وجود دارد، برود شرم کند و سرش را بلبیوار بکوبد.*

سایت اینترنتی ویکی لیکس و پایان دوره انحصار اخبار

احمد فاطمی



ویکی لیکس در هفته گذشته ۴۰۰ هزار سند مربوط به عملکرد سیاست میلیتاریستی و جنایات دولت آمریکا و متحدانش در عراق را منتشر کرد. این اسناد مربوط به گزارشات میدانی می‌باشند، توسط نظامیان رده‌های پایین تهیه شده‌اند، تنها جنبه‌های بسیار محدودی از آنچه نیروهای آمریکائی و متحدان عراقی شان بر سر مردم عراق آورده اند را افشا میکنند، اما علیرغم همه اینها جهنم واقعی را که این جانیان با قتل، شکنجه، تجاوز و پایمال کردن سیستماتیک حقوق و کرامت انسانی زنان، مردان و کودکان عراقی بر سر مردم بی گناه این کشور حاکم کرده اند را به تصویر می‌کشند. این‌ها دیگر مستنداتی هستند که نه از زبان قربانیان مستقیم این جنایات، یا ژورنالیست‌هایی که هر از گاهی به جنبه‌هایی از این جنون جنایت پرداخته اند، بلکه از زبان قاتلان و شکنجه گران و متجاوزین بیان شده اند و به همین اعتبار اهمیت حقوقی و سیاسی خاصی پیدا می‌کنند. بنا بر گزارش نشریه گاردین که جزو اولین رسانه‌هایی بود که به این اسناد دسترسی پیدا کرد این ۴۰۰۰۰ سند با توصیف جزئیات چگونگی کشته شدن هزاران عراقی، تجاوز، شکنجه از طریق شک الکتریکی، سوزاندن بدن و خورد کردن دست و پا تصویر بهت انگیزی از حوادث سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ به دست می‌دهد. نویسندگان این نشریه مخفی نمی‌کنند که از وسعت و عمق جنایات توسط نیروهای دولتی عراق و مداخلات نیروهای آمریکائی و سکوت مستشاران و مسئولین نظامی آمریکائی در قبال قتل و کشتار و شکنجه و تجاوز دچار بهت و حیرت شده‌اند. افشای این اسناد، مطالعه و آگاهی از مفاد آن و تصویر غیر قابل تحمل و وحشتناکی که از عمق وحشیگری و جنایتکاری جنگ افروزان ارائه می‌کند بی تردید و به دلایل انسانی و سیاسی حائز اهمیتی ویژه است. به این اهمیت ویژه در

توسط ویکی لیکس، حمید کرزای رئیس جمهور افغانستان به دریافت مرتب چمدان‌های پول از جمهوری اسلامی اعتراف کرد. اسناد مربوط به این خرید و فروش سرنوشت مردم افغانستان در سری اول اسناد ویکی لیکس منتشر شده بود و توسط همین سران جمهوری اسلامی دروغ و توطئه و دسیسه خوانده شده بود.

این ۴۰۰ هزار سند نشان می‌دهند که سیاست‌های میلیتاریستی طبیعت این جنگ‌ها را رقم می‌زنند، و طبیعت این جنگ‌ها جز کشتار، خرابی، آوارگی، قهقرازی اخلاقی، جرایم جنگی و نفرت چیزی به دنبال نخواهند داشت. جالب است که بلافاصله پس از انتشار این اسناد، پنتاگون، کاخ سفید و هیولاری کلینتون در سه کنفرانس مطبوعاتی مجزا، بدون کوچکترین اشاره‌ای به مضمون این اسناد انزجار خود را از افشای این اسناد "محرمانه" ابراز کردند. اینها از ناتوانیشان در کنترل اخبار و رسانه‌ها و افشای غیر قابل کنترل جنایت‌هایشان ابراز انزجار می‌کنند و خود این جنایات و وحشیگری نیروهایشان، برای این‌ها خبر تازه‌ای نیست. نکته هم در واقع همین است و گر نه هیچ کس حمایت شور انگیز هیولاری کلینتون، و کاف زدن‌های ممتد او در سنای آمریکا را در تایید تهاجم به مردم عراق فراموش نکرده است. نکته این است که تکنولوژی ارتباطی، اینترنت و یوتیوب و توئیتر و فیس بوک و دسترسی فوری میلیاردها انسان به اخبار مستقل و شکستن یوغ انحصار خبری شرایطی را ایجاد کرده اند که به قول آن افسر ارشد ارتش آمریکا دیگر جنگ را مثل سابق نمی‌شود اداره کرد. دولتهای بوش و بلر، آمریکا و انگلیس و متحدانشان برای به جنگ رفتن نیازمند حمایت افکار عمومی حد اقل در آمریکا و اروپا بوده‌اند؛ مخارج این جنگ، آن بخش که توسط کارگران و سایر مالیات دهندگان آمریکائی تامین شده به ۹۰۰ میلیارد دلار بالغ شده است. میلیاردها دلار خرج ایجاد و جه انداختن دستگاه‌های عریض و طویل سخن پراکنی و تبلیغاتی و رسانه‌ها کرده بودند تا بتوانند واقعیات را به دلخواه خود قلب کنند و به عنوان

حقیقت محض به خورد مردم بدهند. از شکست آمریکا در ویتنام تا تهاجم به عراق زمان لازم داشتند تا بتوانند شرایط فکری و روانی لازم را به وجود بیاورند تا بدون مقاومتی موثر کارگر و زحمتکش آمریکائی را به جنگی ببرند که با هیچ منطقی نمیتوان آنرا جنگ کارگر و زحمتکش آمریکائی محسوب کرد. برای این سواری گرفتن از مردم میبایست بزرگترین دروغ‌ها را به مردم بی اطلاع می‌خوراندند و آنها را قانع میکردند که این جنگ اهداف انسانی و والایی را دنبال می‌کند. باید به مردم می‌قبولاندند که عراق صدام حسین (که در واقع یک دیکتاتور دیوانه دیگر بود مثل هر دیکتاتور دیگری که سالها مورد حمایت غرب بوده است) برای امنیت مردم آمریکا و اروپا تهدیدی فوری و جدی است. میبایست این ایده را چه مینداختند که این جنگ ضروری است و برای مردم عراق آزادی و برای جهان صلح و امنیت را به ارمغان خواهد آورد. بدون این همه دروغ و فریب و تحمیق، بدون حاکمیت بلا منازع فاکس نیوز و سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی در اتاق‌های نشیمن آمریکا، انگلیس و اروپا، بدون تحمیق و تثبیت، بسط و همه گیر کردن کوتاه اندیشی عمومی تهاجمی نمیتوانست صورت گیرد. در طول وحشیگری نظامی آمریکا در ویتنام، سربازان آمریکائی ضرب المثلی خلق کرده بودند با این مضمون: "آنچه در جنگل اتفاق افتاده، در جنگل هم باقی می‌ماند." فغان و فریاد لاریجانیها، اعترافات کرزای به دریافت چمدان‌های پول از

جمهوری اسلامی، سکه یک پول شدن بلر، کنفرانس‌های مطبوعاتی کلینتون، پنتاگون و کاخ سفید در واقع پایان و یا حد اقل شروع پایان یک دوره از تاریخ است. ویکی لیکس، و رسانه‌های جمعی نشان داده اند که نه تنها آنچه در جنگل روی داده دیگر در جنگل باقی نمی‌ماند، بلکه دیگر برای اطلاع از واقعیات، آن هم فقط بخشی از آن نیازی به سپری شدن دهه‌ها و استفاده از قوانین خود ساخته و پرداخته جنگ افروزان دروغ گو و مکار و حکم دادگاه‌هایشان برای دسترسی به ارشیوهای اسناد نیست. انقلاب الکترونیکی، رسانه‌هایی گروهی و "فضای مجازی" واقعیات غیر مجازی را یکبار و برای همیشه تغییر داده‌اند. میلیاردها خرج مونیول‌های سخن پراکنی و دروغ پردازی و تحمیق را ویکی لیکس با نوشتن یک کلمه "ارسال" نقش بر آب کرد.

این واقعیت نشاط انگیزی است که زمان جنگ‌ها و دیپلماسی به شیوه تاکنونی سپری شده است. این نشاط انگیز است که دست حاکمان پیروزمند در نوشتن تاریخ و سانسور اخبار و اطلاعات بسته شده است. نشاط انگیز است که ارتباطات الکترونیکی کارگران و مردم جهان را نه در "فضای مجازی" بلکه در دنیای واقعی به هم نزدیک و مرتبط ساخته است. نشاط انگیز است که قرن ۲۱ از روز اول مهر آگاهی و دانش و شکست یوغ مونیول اطلاعاتی را بر پیشانی داشته است. مگر نه این که آگاهی مساوی آزادیست؟*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادپان

برای تهیه کتاب با این تلفن‌ها یا ایمیل‌ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با:

بایک بزدی (کانادا-آمریکا): تلفن: ۰۰۱-۲۱۶ ۷۵۸۳۳۶
ایمیل: babakyzadi@yahoo.com

زری اسمی (عراق کانادا - ونکوور): تلفن: ۰۰۱-۶۰۴ ۷۷۷ ۸۸۸۶
ایمیل: zariast@yahoo.ca

در اروپا با:

انتشارات لسمید: تلفن: ۰۰۴۶-۰۷۳۲۹۳۹۱۷۰
ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلل جلیلی (اتکسان): تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۲۴
ایمیل: jallilu@yahoo.com

مبین کونا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۷۵۹۹
ایمیل: mahinkusha@online.de

کارل مارکس

سرمایه
(کا پیتال)
جلل جلیلی
ترجمه جمشید هادپان

WE STILL NEED MARX

TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wcpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



اطلاعیه مطبوعاتی شماره ۸۲:

حکومت جنایتکار اسلامی سجاد و هوتن را شکنجه کرده است هوتن و دو خبرنگار آلمانی به زندان تبریز منتقل شدند

طبق خبری که به کمیته های بین المللی علیه سنگسار و اعدام رسیده است، سجاد پسر سکینه و هوتن کیان وکیل سکینه در زندانی در تبریز تحت فشار و شکنجه قرار گرفته اند. طبق این خبر هوتن و دو خبرنگار آلمانی روز سه شنبه ۲۶ اکتبر پس از ۱۶ روز به زندان تبریز منتقل شده اند و از محل نگهداری سجاد خبری در دست نیست. خبر حاکی است که در روزهای اول بازجویی، سجاد را شدیداً کتک زده اند و هوتن نیز مورد اذیت و آزار قرار گرفته و کتک خورده است. سوالات بازجویان مربوط به نحوه ارتباط سجاد و هوتن با شبکه های خبری خارج از کشور و کمپین جهانی نجات سکینه بوده است. جمهوری اسلامی هرنوع ملاقات با سجاد و هوتن را ممنوع کرده و تلاش زیادی کرده است که هیچ خبری درمورد سجاد و هوتن به بیرون درز نکند و در رسانه ها چیزی منتشر نشود. احتمال داده میشود که سجاد را همچنان در زندانی مخفی در تبریز نگه داشته اند و همچنان به اذیت و آزار او مشغول باشند. یادآوری میکنیم که سکینه نیز بیش از دو ماه است از ملاقات محروم شده است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه نهادهای بین المللی و همه سازمانها و مردمی که تا کنون در کمپین نجات سکینه شرکت داشته اند و هوتن را ملاقات کرده اند تا گزارشی از وضع سکینه منتشر کنند. سکینه و چهار نفر دستگیر شده باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار همه سازمانها و نهادها و همه مردم جهان را به شرکت فعال در کمپین نجات سکینه و چهار نفر دیگر فرامیخواند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته بین المللی علیه سنگسار
۲۷ اکتبر ۲۰۱۰

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com



در عین حال دفاع فعال از سکولاریسم و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش است.

این سخنرانی بارها با تشویق حاضرین روبرو میشد و در پایان سخنرانی حاضرین در جلسه چند دقیقه مداوم دست میزدند و به احترام سخنران از جای خود بلند شدند. در این برنامه فرزانه درخشان یک میز اطلاعاتی برپا کرده و اطلاعیه های کمیته علیه سنگسار در بین مردم پخش کرد.

این جلسه یکی از موفقترین و پرشورترین سخنرانیهای مینا احدی در آلمان بود. سخنرانی بعدی مینا احدی در روز سوم نوامبر در شهر دویسبورگ آلمان خواهد شد.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۲۴ اکتبر ۲۰۱۰

استقبال کم نظیر از سخنرانی مینا احدی در مانهایم آلمان

عصر روز شنبه ۲۳ ماه اکتبر، مینا احدی به دعوت واحد مانهایم بنیاد جردانو برونو در این شهر سخنرانی کرد.

جمعیت حاضر در محل سخنرانی با علاقه و در سکوت کامل به سخنرانی پرشور یکساعته مینا احدی گوش فرا دادند. در این سخنرانی مینا احدی در مورد تأسیس سازمان اکس مسلم و اهداف این نهاد و همچنین مبارزه گسترده جهانی علیه حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی و اتفاقات سیاسی بعد از آن حرف زد و گفت این دو مبارزه یعنی مبارزه علیه اسلام سیاسی در آلمان و در اروپا و مبارزه علیه سنگسار سکینه و علیه حکومت اسلامی ایران به هم وصلند. مینا احدی گفت:

ما در دنیا سالهای سال است علیه جنبش اسلامی مبارزه میکنیم. یک کاراکتر مهم این جنبش ضدیت اینها با زنان و حقوق انسانی زنان است. تحمیل حجاب و جدا سازی جنسیتی و سنگسار، حربه های جنبش اسلامی در به تمکین کشاندن زنان و تعرض بیشتر به مردم

ما در دنیا سالهای سال است علیه جنبش اسلامی مبارزه میکنیم. یک کاراکتر مهم این جنبش ضدیت اینها با زنان و حقوق انسانی زنان است. تحمیل حجاب و جدا سازی جنسیتی و سنگسار، حربه های جنبش اسلامی در به تمکین کشاندن زنان و تعرض بیشتر به مردم

افشای گوشه ای از بده بستان های مافیای ایران و افغانستان

کوچک از طریق مجاری اداری و بانکی با حساب کتاب صورت می گیرد. رد و بدل کردن مبالغ میلیونی پول نقد آنهم در جعبه و کیسه گونی فقط شیوه گروههای مافیائی و باندهای جنائی است. این پولهای بی حساب و کتاب از دسترنج کارگران ایرانی فراهم شده، دستور پرداخت آن را رهبران فاسد و جانی حکومت اسلامی داده اند و این پول صرف کشتار مردم افغانستان، تخریب مدارس، حمله به زنان و کودکان افغان می شود. درباره فساد دولت کزازی، رشوه خواری گسترده و نقش مستقیم او در قاچاق مواد مخدر اخبار و مدارک زیادی انتشار یافته است اما آمریکا و حامیان غربی او بنا بر منافعشان ترجیح می دهند چشمشان را ببندند و در این مورد سکوت کنند. این خبر فقط یک گوشه کوچک از ابعاد فجائی را نشان می دهد که بر سر مردم ایران و افغانستان می آید.

که در عوض چیزی به ایران داده است اما روشن نکرد که چه چیزی. چند نفر از نمایندگان مجلس اسلامی در نامه ای از منوچهر متکی وزیر امور خارجه مستند قانونی این پرداخت ها، محل تامین، میزان آن و نحوه هزینه کردن آن را پرسیده اند. پاسخ این سوالها را مردم ایران و افغانستان بخوبی می دانند.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارش خود نوشته است: "پول های پرداختی ایران که بالغ بر میلیونها دلار می شود، یک منبع مالی بی حساب و کتاب است که برای خرید سیاستمداران و نمایندگان پارلمان افغانستان، روسای قبایل و حتی فرماندهان طالبان، پرداخت می شود." حامد کزازی اعلام کرده است که این پرداخت ها بعنوان کمک به مردم افغانستان و رسماً پرداخت می شود اما هر کودک دبستانی می داند که در دنیای متمدن امروز مبادلات پولی حتی در سطح شرکت های

هفته گذشته افشا شد که جمهوری اسلامی مبالغی به صورت نقدی به حامد کزازی رئیس جمهور افغانستان رشوه داده است. سفارت ایران در کابل بلافاصله این خبر را که توسط نیویورک تایمز اعلام شد، تکذیب کرد اما ظاهراً شواهد چنان محکم بود که کزازی نتوانست آن را انکار کند و رسماً اعلام کرد که در موارد مختلف از مقامات ایرانی پول نقد دریافت کرده است. او این مبالغ را یک بار ۷۰۰ هزار دلار و یک بار ۹۷۵ هزار دلار اعلام نمود و گفت که احمدی نژاد در سفر به افغانستان با خود دو جعبه پول نقد به همراه داشت که یک جعبه برای شخص عمر داودزی رئیس دفتر کزازی و یک جعبه برای خود وی بوده است. همچنین وی اعتراف کرد که چندین پاکت پلاستیکی محتوی یورو در ماه آگوست سال گذشته در هنگام سفر به ایران و در داخل هواپیما به رئیس دفتر او داده شده است. او اعلام کرد

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

مصطفی صابر ۵۰۰ دلار کمیته فرانکفورت ۶۰۰ یورو
نوید محمدی ۱۵۰ یورو مهین کابلی از اطریش ۲۰ یورو
داود آرام ۲۰۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶: FEC، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هرروزه از ۸ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی (۹ و نیم تا ۱۱ و

نیم شب به وقت ایران در شبکه KBC ببینید.

در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد. این همایش در حالی قرار است

برپا شود که بسیاری از شخصیت های جهانی فلسفه امتناع خود را از شرکت در این همایش و اعتراض خود را به جنایات جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. اما این همایش به احتمال زیاد برگزار خواهد شد و اشخاص مرتجعی پیدا می شوند که مشکلی با جمهوری اسلامی و فلسفه اش نداشته باشند و در آن شرکت کنند. حتما بحث های زیادی هم درباره فلسفه اسلامی برگزار خواهد شد. اما

برای مردم ایران این فلسفه و واعظان آن شناخته شده هستند. این مردم در طول سی و یک سال حاکمیت اسلام، آن را با تمام وجود خود تجربه نموده اند. تحقق عملی این فلسفه در زندگی مردم ایران چیزی بجزز اعدام، سنگسار، شکنجه، زندان، غارت، زن ستیزی، کودک آزاری، اختناق، فقر، جهل و... نبوده است. جمهوری اسلامی روز جهانی فلسفه را برگزار خواهد کرد و اشخاصی هم در آن شرکت خواهند نمود اما این واقعه لکه ننگی بر چهره یونسکو و در کارنامه شرکت کنندگان آن خواهد بود. "فلسفه توحش" مناسبترین عنوانی است که به همایش جهانی فلسفه امسال داد. *

"فلسفه توحش" و همایش جهانی فلسفه ۲۰۱۰

بهروز مهر آبادی

ارگان سانسور و تبلیغات فاشیستی رژیم اسلامی، نویسندگان کتابهای تعلیمات اجتماعی و تعلیمات دینی و دروس قرآنی برای دبستان ها و دبیرستانها. سایر شخصیت های ذکر شده نیز همگی از همکاران رژیم در دانشگاهها و ارگانهای سانسور و سرکوب رژیم نظیر وزارت ارشاد، از طرفداران ولایت فقیه و از فسیلهای حامیان و همکاران حکومت اسلامی هستند.

دشمنی جمهوری اسلامی با علوم انسانی و فلسفه ای که مبانی اسلامی را زیر سوال ببرد برای کسی پنهان نیست. معنی و مفهوم فلسفه هم در فرهنگ جمهوری اسلامی احتیاج به توضیح ندارد. فقط یادآوری این نقل قول از علی خامنه ای رهبر حکومت کافست که صریحا حکم سانسور کتابهای درسی و حذف مباحث علوم انسانی را از درس های دانشگاهی داد و گفت: "بسیاری از علوم انسانی مبتنی بر فلسفه هایی است که مبانی آنها مادیگری و بی اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی است و آموزش این علوم موجب بی اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می شود. آموزش این علوم منجر به ترویج شکاکیت و تردید

قرار است همایش روز جهانی فلسفه از ۲۲ آبان تا دوم آذر در تهران برگزار شود. سازمان یونسکو سومین پنشنیه از ماه نوامبر هر سال را روز جهانی فلسفه اعلام کرده است و امسال مراسم روز جهانی فلسفه را در تهران برگزار می کند. رئیس این همایش غلامعلی حداد عادل است و معاون علمی آن غلامرضا اعوانی و دبیر این همایش محمد حسین ایمانی خوشخو. قرار است آیت اله هابی نظیر جوادی آملی، جعفر سبحانی و مصباح یزدی و از فیلسوف اسلامی دکتر رضا داوری اردکانی در این همایش تحلیل شود. فلسفه اسلامی از مباحث مهم این همایش خواهد بود.

خواندن این اسامی کافی است تا ما را با ماهیت همایش فلسفه در تهران آشنا کند. در مورد غلامعلی حداد عادل خیلی مختصر می شود این سوابق را گفت: مشاور عالی خامنه ای یعنی همکار مستقیم جنایات انجام شده توسط رهبر حکومت اسلامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی یعنی ارگان سرکوب دانشجویان، عضو شورای سرپرستی صدا و سیما یعنی

تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید،

به آن کمک مالی کنید!

کانال جدید مجدداً به خانه های مردم ایران راه یافته است!

کانال جدید صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکت خالص شوند.

کانال جدید صدای مبارزه برای سرنگونی حکومت دزدان میلیاردی و آدمکشان حرفه ای است.

کانال جدید، ابزار تغییر، همبستگی مبارزاتی، سازمانگری و انقلاب علیه نظام کثیف اسلامی است.

کانال جدید مدافع پر و پا قرص آزادیخواهی، عدالت خواهی و برابری طلبی است.

کانال جدید صدای اعتراض به بی حقوقی، تبعیض و نابرابری، فقر و محرومیت، سنگسار و اعدام و شلاق و شکنجه است.

به کانال جدید، صدای اعتراض و مبارزه خود کمک مالی کنید

کافی است لینک زیر را باز کنید و از طریق پی پل آنلاین (pay pal) کمک خود را واریز کنید:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

شماره حساب های کانال جدید نیز در سایت کانال جدید موجود است.

کانال جدید را به دوستان خود معرفی کنید: در برنامه های پخش مستقیم شرکت کنید. میتوانید در برنامه های پخش مستقیم با شماره تلفن ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ شرکت کنید.

پخش زنده کانال جدید هر روزه از طریق سایت کانال جدید نیز قابل مشاهده است:

www.newchannel.tv

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



به کارگران جسور کیان تایر درود میفرستد و از دیگر بخشهای کارگری میخواهد با اعلام حمایت علنی و پشتیبانی از خواستهای بحق آنان در این مبارزات با کارگران کیان تایر همبوش گردند. حضور خانواده های کارگران کیان تایر يك بخش مهم از وسیعتر کردن دامنه اعتراضات بحق آنان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
چهارم آبان ۱۳۸۹، بیست و هفتم
اکتبر ۲۰۱۰

که ما خواهان روشن شدن تکلیف خود و پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده مان هستیم و اگر به خواستهای کارگران کیان تایر رسیدگی نشود، همه کارگران کارخانه کیان تایر، فردا همینجا در مقابل وزارت صنایع دست به تجمع خواهند زد و ما هم مسئولیتی در قبال هیچ اتفاقی نداریم. با موضع قاطع نمایندگان کارگران مسئولین وزارت صنایع اعلام کردند پنج میلیارد تومان وام آماده پرداخت به کارخانه کیان تایر است و بزودی این وام پرداخت خواهد شد. در ادامه این جلسه کارفرمای کیان تایر نیز وعده داد تا آخر شب پنجاه درصد باقی مانده دستمزد شهریور ماه کارگران به حساب آنان واریز خواهد شد و طی چند روز آینده مقدار چهل تن مواد اولیه نیز وارد کارخانه خواهد شد. پس از اینکه نمایندگان کارگران به کارخانه بازگشتند و نتیجه این مذاکرات را گزارش کردند، کارگران اعلام داشتند که چنانچه تا سه شنبه ۴ آبان توافقات صورت گرفته عملی نشود، اعتراضات خود را از همان روز از سرخواهند گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران،

رسمی و ثابت، برخورداری از حق بیمه و پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان

روز ۶ آبان حدود ۳۰ نفر از کارگران سازمان فضای سبز



0044-77798 98968

Shahla_Daneshfar@yahoo.com

0044-7852 338334

Bahram.Soroush@gmail.com

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع خواهند کرد. روز دوشنبه سوم آبانماه هنگامی که هیچ خبری از مواد اولیه و براه انداختن کارخانه نشد، کارگران در اعتراض به وضعیت بلاتکلیف کارخانه و بی پاسخ ماندن خواستهایشان از ساعت ده صبح تا اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه که نمودند. کارگران خشمگین کیان تایر تمامی پارچه نوشته هایی را که در قسمت بیرونی نرده های کارخانه نصب شده بود، و حاوی تیریک به بخشدار چهاردانه به عنوان بخشدار نمونه بود را پایین کشیدند و آتش زدند. همزمان با این تجمع و حرکت اعتراضی کارگران، نمایندگان آنان برای پیگیری خواستهای اعلام شده و پاسخ داده نشده، از ساعت یازده صبح عازم وزارت صنایع گردیدند تا در جلسه ای که برای رسیدگی به خواستهای آنان تشکیل شده بود، شرکت کنند. نمایندگان منتخب کارگران در برابر تهدیدها و فریبکاریهای دست اندرکاران وزارت صنایع قاطعانه بر خواستهای کارگران تاکید کردند و اعلام کردند

دوم نیز برای این کارگران ممنوع است. بنا بر گزارشهای منتشر شده از هفت ماه گذشته تا کنون دستمزد کارگران این شرکت ها مرتباً کاهش یافته و بعضاً کارگری که ۲۵۰ هزار تومان دستمزد میگرفته است، که خود کمتر از حتی حداقل دستمزد تعیین شده دولت است، اکنون به او ۹۰ هزار تومان پرداخت میشود. در میان آنان حتی کارگرانی یافت میشوند که ۱۲ سال سابقه کاری دارند. بنا بر گزارشات منتشر شده این کارگران ۴ سال است که با این مشکلات درگیرند و در اعتراض به آن بارها تجمع برپا کرده اند ولی تا کنون جوابی نگرفته اند. بدین ترتیب تعویق پرداخت دستمزدها، حاکم نبودن هیچ قانونی بر شرایط کار و استخدامشان، عدم بیمه درمانی این کارگران همه و همه مشکلات کارگران شاغل در این شرکتهاست. در تجمع اعتراضی این روز پس از صحبت مقامات مسئول با نمایندگان این کارگران، به آنها وعده داده شد که تا شنبه هفته بعدی به کار آنها رسیدگی و نتیجه نهایی اعلام شود. کارگران این شرکت ها خواهان کوتاه شدن دست شرکت های واسطه استخدام و داشتن قرار دادهای

گزارشی از اعتراضات کارگران کیان تایر

تأثیر فشاراعتراضی کارگران کیان تایر، بخشدار چهاردانه مجبور گردید در میان جمع اعتراضی کارگران حاضر شود. کارگران یکپارچه در برابر فریبکاری و بهانه های مضحك بخشدار که میخواست تعطیل کارخانه را به کارگران بقبولاند ایستادند و یکصدا فریاد زدند، بجای این حرفهای بی سرتو دستمزدهای پرداخت نشده مان را بدهید. یکپارچگی محکوم است! بخشدار با وعده و وعید هایی حل تجمع اعتراضی کارگران را ترک کرد. روز اول آبانماه، کارگران پس از بی پاسخ ماندن خواستهایشان در مقابل دفتر شورای کارخانه تجمع کردند و همانجا تصمیم خود را مبنی بر تشدید و تداوم اعتراضات تا رسیدن به خواستهایشان را اعلام کردند و به مدیریت اولتیماتوم دادند که اگر تا پایان وقت اداری یکشنبه دوم آبانماه مواد اولیه برای تولید وارد کارخانه نشود و دفترچه های درمانی آنان تمدید نگردد، از روز دوشنبه ۳ آبان در محل کارخانه و مشرف به جاده اسلامشهر و یا در

روز دو شنبه سوم آبان کارگران کیان تایر در ادامه اعتراضات خود، در محل کارخانه جمع شدند و برای جلب توجه مردم و مسئولین اقدام به آتش زدن لاستیک در محل کارخانه که مشرف به جاده اسلامشهر و روبروی بخشداری چارادانه است نمودند. یادآوری کنیم پس از اخراج جسورانه مدیران و کارفرمای کارخانه لاستیک سازی کیان تایر از محل کارخانه، توسط کارگران در شانزده روز پیش، مدیریت کارخانه مانند همیشه تلاش کرد با وعده های دروغین کارگران را فریب دهد. با گذشت بیش از دو هفته تا کنون هیچکدام از این وعده ها اجرا نشده و در این مدت کارگران بدون آنکه کاری در کارخانه انجام دهند، هر روزه در ساعات کاری در کارخانه حاضر گردیده اند. هفته گذشته در اعتراض به این بلاتکلیفی، زمزمه تجمع در مقابل دفتر احمدی نژاد بالا گرفت و کارگران برای ادامه اعتراضات خود و چگونگی پیشبرد تصمیماتشان روز یکشنبه ۲۵ مهر مجمع عمومی بزرگ خود را تشکیل دادند. تحت

چند خبر از اعتراضات کارگران

میگویند، بدهی های کارفرما ربطی به آنها ندارد و خواهان دستمزدهایشان هستند.

کارگران آبی سی تی نقده

روز سه شنبه ۲۷ مهرماه بیش از ۵۰ نفر از کارگران دفاتر ICT نقده، میاندوآب و مهاباد و کنتورنویسان شرکت آب و فاضلاب ارومیه در اعتراض به ۹ ماه دستمزد پرداخت نشده خود و وضعیت کاری شان در مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. این کارگران همچنین به شرایط برده وار استخدام خود از طریق شرکت های واسطه پیمانکاری معترضند. به گفته کارگران شرکت های مذکور به ازای هر کارگر که معرفی کرده اند ۹۰۰ هزار تومان از شرکت آب و فاضلاب دریافت می کنند و از این میزان فقط ۳۰۰ هزار تومان به کنتور نویسان پرداخت میشود. این درحالیست که اگر آنها موفق به قرائت یکی از کنتورها نشوند ۱۰۰۰ تومان از حقوقشان کسر می شود. و هر کنتورنویسی موظف است در طول دو ماه ۵ هزار کنتور را بخواند. و تازه داشتن شغل

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پوشینه بافت قزوین- روز شنبه ۱ آبان از ساعت ۸ صبح بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه پوشینه بافت در اعتراض به ۱۲ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل درب این شرکت تجمع کردند. لازم به ذکر است که این کارگران در تاریخ ۱۷ مهر، برای چهارمین بار از قزوین به تهران آمده و مقابل دفتر احمدی نژاد تجمع کردند و تنها با وعده پرداخت حقوقهای معوقه و راه اندازی مجدد کارخانه، به قزوین برگشتند و با عملی نشدن وعده ها به اعتراضات خود ادامه میدهند.

اعتراض کارگران سبلان پارچه

روز ۳ آبان کارگران کارخانه سبلان پارچه اردبیل با تجمع مقابل این شرکت، خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. در مجموع شرکت بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان به کارگران و سایر طلبکاران بدهکار است. در نتیجه این وضعیت هم اکنون این کارخانه تعطیل است و کارگران

پیام حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران و مردم فرانسه!



از دانش آموزان دبیرستانها تا دانشجویان تا کارگران شاغل و

بازنشستگان همه در يك صف ايستاده ايد تا از افزايش سن بازنشستگی ممانعت كنيد. بشریتی كه از سرمایه داری و بحران ها و تبعیضات و بی حقوقی هایش به جان آمده و در همین اروپا بیامیخیزد، در مبارزات شما انعكاس آرزوها و تلاشهای خود را می بیند.

همزمان!

بدینوسیله ما نیز همبستگی و حمایت خود را با شما اعلام می داریم و می خواهیم كه این راه را تا به آخر پییمایید. كارگران و مردم ایران كه در خرداد ۸۸ دست به يك انقلاب عظیم زدند و همچنان برای رهایی از شر حكومت اسلامی سرمایه مبارزه می كنند، با شما احساس همسرنوشتی و همبستگی عمیق می كنند. بی شك پیروزی و پیشروی شما هر اندازه قاطع تر باشد مبارزه و تلاش كارگران و مردم ایران را نیز تقویت خواهد كرد. اجازه ندهید تا سن

دچار شده است، برای "صرفه جویی" به همین هم هجوم آورده اند.

اگر متوسط طول عمر بشر بخاطر پیشرفت علم و امکانات اجتماعی متكي بر كار كارگر افزایش یافته، حالا سرمایه سهم خود را طلب می كند. كارگر باید سالهای بیشتری را با كار خود ارزش اضافه تولید كند تا سهم سرمایه از ثروت اجتماعی بازهم بیشتر شود تا "نرخ سود" بالا رود و سرمایه بحران زده به حرکت درآید. این منطق آنها در تمام اقدامات دیگرشان برای "رونق اقتصاد" است، از زدن خدمات اجتماعی و بیمه ها گرفته تا پرداخت های افسانه ای به بانكها و موسسات ورشكسته از كیسه كارگران و مردم. جوهر مشترك همه این اقدامات نهایتا افزایش زمان بردگی مستقیم طبقه كارگر و كاهش سهم او از ثروتی است كه خود تولید كرده است. لذا شما بر مساله ای دست گذاشته اید كه جوهر مناسبات حاكم بر زندگی بشر را بر ملا می كند. بی جهت نیست كه

دروهای گرم ما را به نمایندگی از كارگران و مردم ایران كه در بند اختناق جمهوری اسلامی قرار دارند بپذیرید. بی تردید جهان مبارزات شورانگیز شما را بدقت دنبال می كند. نه فقط از آنرو كه هرگاه شما وارثان انقلاب كبیر فرانسه، كمون پاریس و جنبش مه ۶۸ به حرکت درآید سرها بطرف شما می چرخد، بلكه همچنین بخاطر اینکه اکنون نیز بر مساله ای پای می فشارید كه امر میلیاردها انسان بر كره زمین است. مساله افزایش سالهای بردگی مستقیم كارگر! یا بعبارت معمول، افزایش سالهای كار كردن و بالا بردن سن بازنشستگی به زیان كاهش همان چند سال معدودی كه در آخر عمر برای ما باقی می ماند كه شاید قدری استراحت كنیم. سالهایی كه چندین برابر آنرا با كار خود پرداخته ایم و با مبارزات طولانی این حق را بدست آورده ایم كه از بخور و نمیر "بیمه بازنشستگی" برخوردار شویم. اما حالا كه سرمایه داری جهانی به بحران همه جانبه ای

بایستید و برای مقابله قطعی با بحران ها و مشقات ناشی از آن، یعنی برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داران و گرفتن اداره جامعه به دست خود، به پیش روید. اجازه ندهید احزاب بورژوازی بر دوش اعتراضات شما و به نام شما به قدرت برسند تا همان اوضاع گذشته را حفظ كنند. باید دست به ریشه برد و به كل این اوضاع خاتمه داد و باید بجای منطق سود و حاكمیت بازار، منطق حرمت و رفاه و آزادی انسان یعنی سوسیالیسم را در جامعه برقرار كرد.

حزب كمونیست كارگری ایران

۲۳ اکتبر ۲۰۱۰، اول آبان ۱۳۸۹

نشانده است كه يك جرقه آنرا منفجر می كند. مردم عاصی و خشمگین و متنفر از حكومت سرمایه داران اسلامی مصممند این رژیم را سرنگون كنند، اما پیروزی ما مردم مشروط به اعمال قدرت متحد و متشكل ماست. امروز جامعه در

مقابل دو راهی بربریت یا سوسیالیسم است. جمهوری اسلامی برای اینکه حتی مدت کوتاهی سرپا بماند ناچار است بربریت تمام عیار را به جامعه تحمیل كند. تمام جناحهای بورژوازی ایران نیز، مستقل از اختلافات درونی و مقطعی امروزشان، با طرح ریاضت كشی اقتصادی و همین حذف یارانه ها كاملاً توافق دارند و علیه رفاه و آزادی مردم صف كشیده اند. رهائی ما مردم تماماً به سوسیالیسم گره خورده است. رهائی از استثمار و تبعیض، خلاصی از هر نوع ستم و نابرابری، برابری زن و مرد، کوتاه شدن دست مذهب از سر جامعه، برگرداندن حرمت انسانها و تامین يك زندگی مرفه و انسانی كه خواست اكثريت عظیم جامعه است فقط با پیروزی انقلاب ناتمام ما و تحقق سوسیالیسم ممكن است. برای این منظور باید متحد شد و به حزب كمونیست كارگری ایران ملحق شد.

حزب كمونیست كارگری ایران

۷ آبان ۱۳۸۹ - ۲۴ اکتبر ۲۰۱۰

بازنشستگی را افزایش دهند. اجازه ندهید تا بار بحران اقتصادی را بر دوش كارگران و توده های محروم بشكنند و كمی آرامش در سالهای آخر همین زندگی فعلی را هم چنین از ما بزدند. اجازه ندهید به نام "نجات اقتصاد ملی" و غیره شما را به سازش بكشاند. حتی اگر بقیامت تحمیل بردگی همه جانبه تر كارگران رونقی هم بوجود بیاید، موقتی است و بدنبال آن بحران وسیعتری از راه خواهد رسید و زندگی ما بیش از پیش به فقر خواهد رفت. این چیزی است كه تاریخ سرمایه داری بارها و بارها تكرر كرده است. لذا ما آرزو می كنیم كه شما سرسختانه در مقابله با هر تعرض

مسخره اش و در عین حال وحشت و نگرانی از قدرت مردم را بنمایش میگذارد. این تصویر "حكومت مقتدر" نیست بلكه آینده تمام قد حكومت مفلوك اوباشان اسلامی است كه در حال فروپاشی كامل اقتصادی و سیاسی و نظامی و اداری است.

كارگران و مردم آزادیخواه،

جمهوری اسلامی در شرایطی می خواهد طرح حذف یارانه ها را اجرا كند و با توده میلیونی كارگران و مردم زحمتكش جامعه روبرو شود كه بیشتر از هر زمان دیگر در عرصه داخلی و بین المللی تضعیف شده و تحت فشار قرار گرفته است. فروپاشی اقتصادی، عدم مشروعیت سیاسی و اجتماعی، تشدید جنگ جناحهای رژیم تا سرحد جوك كردن و افشا كردن همدیگر و بی آبروشدن کلیه ارگانهای حكومت، بی اعتباری شدید خود خامنه ای كه مجبور شده برای كسب حمایت به نزد مرتجعین همپالگی خود برود و از اهمیت "آخوند حكومتی" حرف بزند، انزوی شدید بین المللی و تحریمهای گسترده اقتصادی، افشا شدن دزدیهای كلان و نجومی آخوندها و عناصر حكومتی، و دهها معضل و درد بی درمان دیگر این حكومت را روی انبار باروتی

بدون فقر را سر هم می كنند، و از سوی دیگر از فرط وحشت از قدرت مردم و اوج گرفتن انقلاب به تهدید و برخ كشیدن نیروهای نظامی و اطلاعاتی و قضائی خود پناه می برند. میگویند ۱۵۰۰ گردان عاشورای بسیج برای مقابله با اعتراضات احتمالی و شورشهای شهری تجهیز كرده اند كه در كنار نیروی سركوب موجود قرار است در تهران بجنگ مردم برود. این مقابله با همان چیزی است كه قبل آنرا فتنه اقتصادی نامیده بودند كه اشاره به اعتصابات كارگری داشت. وزیر اطلاعات نیز اعلام كرده است كه وزارت اطلاعات پیش بینی های لازم برای اجرای "قانون هدفمند كردن یارانه ها" را انجام داده و با كسانی كه قصد ایجاد مشكل در مسیر اجرای این قانون را داشته باشند برخورد خواهد كرد و آنها را به دستگاه قضائی معرفی خواهد كرد. مصلحی وزیر اطلاعات میگوید همه دستگاههای دولت برای اجرای این قانون هماهنگ شده اند و با نمایندگان صنوف و تجار هم همکاریهای خوبی دارند. رژیمی كه برای اجرای طرح "هدفمند كردن یارانه ها" و "كمك نقدی به خانواده ها" تمام دستگاههای اطلاعاتی و قضائی و نظامی و وزارتخانه ها و سرمایه دارانش را در مقابل مردم بخط كرده است تنها پوچی ادعاهای

اقتصاد جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است!

سوسیالیسم راه نجات ما مردم است

دیگر بطور كامل فرومیپاشد. این گزارش كه دلایل مختلف فروپاشی كامل اقتصاد را در جزئیات مطرح كرده از جمله تأكید می كند كه صنعت نفت از دو جنبه تحت فشار قرار میگیرد كه در نتیجه آن از يكسو حكومت نمیتواند از منابع نفت و گاز خود بهره برداری كند و از سوی دیگر مجبور است كه بنزین مورد نیاز خود را از طریق قاچاق تامین كند. این اقتصاددانان از خامنه ای خواسته اند كه برای جلوگیری از تشدید بحران موجود تصمیم های ریشه ای اتخاذ كند و از جمله تأكید كرده اند كه ذخایر مواد غذائی و سوختی كشور را باید افزایش بدهند. همین يك قلم اشاره به لزوم ذخیره مواد غذائی و سوختی عمق وضعیت سیاهی كه جامعه تحت حاكمیت جمهوری اسلامی را تهدید می كند نشان میدهد.

چپالوگران اسلامی كه میدانند در اثر قطع یارانه ها گرانی و بیكاریهای دهشتناك فلاكی اقتصادی تاكوتنی را تشدید می كند از هم اکنون برای مقابله با اعتصابات كارگری و شورشهای شهری از يكسو اراجیفی مانند اجرای عدالت و از بین

چشم انداز فروپاشی اقتصاد جمهوری اسلامی در سال آتی سران این حكومت را در وحشت مرگ فرو برده است. قطع یارانه ها كه تنها راه و تنها پاسخ جمهوری اسلامی به بن بست و ورشكستگی اقتصادی گریبانگیر آن تلقی میشود در عین حال يك تلاش عبث و تماماً بیحاصل است. جمهوری اسلامی با هیچ طرح اقتصادی راه برون رفت از این بن بست را ندارد.

تناقض میان ناچاری رژیم برای اجرای این طرح و عواقب خطرناك و نگران كننده اش حكومت را با آنچنان بحران و سردرگمی بیسابقه ای دچار ساخته كه مجموعه ای از دروغ و ریاكای و وعده دادن تا دست زدن به ارباب و تهدید و از سازمان دادن اوباش و گردانهای نظامی علیه مردم تا طرح ریزی انواع توطئه ها در دستور قرار گرفته است و كل ارگانها و دم و دستگاه حكومت را بخطر كرده است. اخیراً جمعی از اقتصاددانان دولتی از بانك مركزی و وزارت اقتصاد و وزارت نفت در گزارش محرمانه ای به خامنه ای اعلام كرده اند كه بدلیل فشار سنگین تحریمها اقتصاد جمهوری اسلامی تا يكسال



مذهبی، عقب مانده و ارتجاعی

حکومت آلمان در سطح بین المللی همیشه با این جنبش سیاسی ضد انسانی، روابط حسنه اقتصادی داشته و با آنها معامله کرده است. بیست سال است که در راس یک سازمان جهانی بزرگ علیه سنگسار مبارزه میکنم و تجارب بسیار منفی با سیاستمداران در آلمان داشته ام. از حزب سبز گرفته تا سوسیال دمکرات و از حزب سوسیال مسیحی گرفته تا حزب لیبرال ال اینها همه مرا می شناسند و من با بسیاری از اینها در مورد سنگسار حرف زده ام، ولی کاری نکرده اند.

این بسیار غیرقابل تصور است که چشم ها را می بندند و اهداف سیاسی و اقتصادی خود را پیگیری میکنند. در نتیجه این سیاستهای غلط، سازمانهای اسلامی در آلمان مورد توجه بوده و نفوذ سیاسی پیدا کرده اند و در بحثهای مربوط به قتل

شناخته شوند.

با بی خدا و آتیست ما در مورد انسانهایی حرف میزنیم با تعلقات متعدد مذهبی و یا هویتهای متعدد. اما باید همیشه بین مسلمانان و سازمانهای اسلامی تفاوت قائل شد. بین مردم مذهبی و سازمانهای مذهبی سازمانهایی که برای قدرت سیاسی مبارزه میکنند. من این سیاست را بشدت نقد میکنم چرا که مردم از کشورهای به صلاح اسلامی که کارگر مهاجر و یا پناهنده هستند اینجا آمده اند و خودشان به اندازه کافی با سازمانهای تروریست و یا حکومتهای اسلامی مشکل داشته اند و حتی اگر این مشکلات را نداشتند آنها انسان هستند هویت اصلی آنها انسان بودن آنها و نه تعلق مذهبی آنها است. این ابداع شایسته نیست که در قرن بیست و یک به انسانها یک اتیکت "مسلمان" بچسبانید و اینهم درست نیست که سازمانهای فنتائیک اسلامی، سازمانهای ضد زن اسلامی از سوی دولتها به عنوان نماینده میلیونها انسان به رسمیت

آلمان و اسلام سیاسی یک سیاست مهلک

نوشته مینا احدی در سایت "اروپایی" ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰

ما میتوانیم طبعاً در مورد اسلام به عنوان یک مذهب بحث کنیم. نظر من اینست که ما باید اسلام را نقد کنیم، همانگونه که من اسلام و همه مذاهب را نقد میکنم. من بر این اعتقادم که مذاهب به گذشته ها تعلق دارند. ما به وفور میتوانیم دستورات ضد انسانی و ضد زن را در همه کتابهای مذهبی پیدا کنیم.

هویت اصلی انسان بودن

در ایران، افغانستان، عربستان سعودی و... مسلمانان اولین قربانیان این جنبش بوده اند. ایران یک نمونه بسیار خوب است. من در آنجا تجربه کردم که چگونه بعد از قدرت گرفتن اسلامیه در این کشور، اولین فرمان اینها علیه زنان بود. "یا روسری یا توسری"، فرمان اول اینها بود و سپس سی سال شرایط وحشتناک، اعدام و سنگسار و همه این جنایات و بربریت در عمل علیه مردم اجرا شد. در این کشورها تعدادی مسلمان هستند و تعدادی هم غیر مسلمان و

اسلام سیاسی یک جنبش است. جنبشی که از سی سال قبل در کشورهایی مثل ایران و افغانستان قدرت پیدا کرده و در برخی کشورها مثل سودان و یا الجزایر برای گسترش نفوذ سیاسی تلاش میکند. یک جنبش سیاسی که سعی میکند در اروپا نیز جای پای خود را باز کند و در سیاست و در زندگی روزمره نفوذ پیدا کند. در آلمان و یا در اروپا باید سعی کرد این سازمانهای مذهبی و اسلامی را به همین عنوان

ناموسی یا حجاب و حجاب کودکان یا تدریس مذهب در مدارس کاملاً تاثیرگذار بوده اند. حکومت آلمان در این موارد، مدرن و مبتنی بر حقوق انسانی رفتار نکرد، بلکه رفتار و سیاست مذهبی و فنتائیک و عقب مانده بود.

اما ما در آلمان به سکولاریسم بیشتر احتیاج داریم. جدایی بیشتر و کامل مذهب از دولت. نفوذ و تاثیر اسلام سیاسی در اینجا خیلی بیشتر شده، بویژه در زندگی زنان از خانواده های مسلمان و این یک نتیجه سیاست دولت آلمان است.

مینا احدی- ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰

مراکز عمومی را توضیح میدهد. می بینید که ما نه تنها در سطح بین المللی و خارج از کشور، بلکه در داخل نیز با اقدامات متعدد فعال هستیم و تغییرات در ایران را در آینده نیز انتقادی زیر نظر داشته و در پارلمان خودمان بررسی میکنیم.

۲۵ اکتبر ۲۰۱۰

مذهب مشخص بی طرف می باشد. ائتلاف مسیحی لیبرال حاکم در قرارداد ائتلافی خود تاکید کرد که ما یک برنامه مقابله با ازدواج اجباری تصویب خواهیم کرد از این گذشته ما لیبرال دمکراتها یک برنامه انتگراسیون پیشنهاد کردیم که نظر ما در مورد مرز پوشیده ماندن کامل یا حجاب کامل در

تنها امسال یک جمع مواوری فراکسیونها همه باهم بیانیه ای در مورد موقعیت وخیم حقوق بشر در ایران صادر کردند.

برای حزب لیبرال دمکرات و برای فراکسیون حزبی ما میتوانم بگویم که ایران بطور مرتب زیر نظر ما بوده و گفتگو و مشاوره در بین نمایندگان ما بوده است. همانطور که می بینید چندان مشکل نیست دیدن اینکه سیاست در آلمان این مشکل را و موقعیت سیاسی در ایران و موقعیت حقوق بشر در ایران را خیلی جدی گرفته است.

بارلمانتاریسم انتقادی

در مورد موضع شما در مورد جدایی کامل مذهب از دولت، جدایی کلیسا از دولت میخواهم بگویم که نوشته کریستیان لیندner در روزنامه فرانکفورتر آگماینه که در ۱۸ اکتبر چاپ شد به درستی تاکید کرده است که مسیحیت مذهب رسمی دولت آلمان نیست بلکه یک اعتقاد فردی افراد و شهروندان است. از این گذشته واضح است که لازم به یاد آوری است که یک دولت لیبرال جمع های مذهبی را حمایت می کند این در حالی است که در برخورد به

نامه سرگشاده به خانم احدی

سیاست برای حقوق بشر

بعد از انتقاد مینا احدی در مورد سیاست آلمان در زمینه حقوق بشر، سخنگوی حزب لیبرال در کمیسیون حقوق بشر، خانم ماریانا شوستر پاسخ میدهد: پارلمان و حکومت آلمان هم در سطح بین المللی و هم پشت صحنه برای حقوق انسانی مبارزه میکنند.

اتهام خانم مینا احدی که

سیاست در آلمان خود را با موقعیت در ایران مشغول نمیکند، قابل قبول نیست. تنها یک نگاه به میزان بیانیه ها و سوالات از حکومت و کمیسیون حقوق بشر و مدارک نشسته های ما که در دوره انتخاباتی قبلی در پارلمان آلمان مطرح و تصویب شد، همچنین مجموع بیانیه های ما در مورد موقعیت حقوق بشر و در مورد برنامه اتمی ایران و در مورد تحریم ها بر علیه حکومت ایران و تاثیرات آن که همواره مورد توجه ما بوده، یک بیان بهتری را نشان میدهد. در پلنوم پارلمان آلمان ۱۴ نماینده در ۱۷ جونی ۲۰۰۹ در یک برنامه به اسم "اکتویل شتونده" در مورد موقعیت ایران بعد از انتخابات ریاست جمهوری صحبت کردند و قبل از آن هم یک جلسه گزارش دهی در مورد کمیسیون حقوق بشر در

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم!



نقشه شوم حکومت ... از صفحه ۱
شela دانشفر

نیز از اسلام و قرآنشان گرفته اند. از جمله حمید حاجی در همین گفتگو خاطر نشان میسازد که: "تغییر نظام روزمزدی به کارمزدی و همچنین عدم اعتقاد به ۸ ساعت کار روزانه، در اسلام نیز سفارش شده است." نفس همین توضیح کل ماجرا را که پیاده کردن قوانین عهد برده داری و قبایل دوره جاهلیت در جامعه اول قرن بیست است منعکس میکند.

اما سوال اینست که چرا این روزها طرحهای پوسیده و ضد انسانی یکی یکی از جانب گردانندگان حکومت بیرون داده میشوند؟ جراحی اقتصادی و زدن یارانه ها و در کنار آن کار مزدی بجای روز مزدی. آنهم در شرایطی که این چنین جامعه در التهاب و مبارزه بسر میبرد و جنبش کارگری حالتی انفجاری دارد.

همه داستان اینجاست که این رژیم بعد از سی و یکسال دزدی و جنایت و سرکوب و تحمیل بیشترین فقر و فلاکت به مردم، با یک جامعه ملتهب و با بحرانی اقتصادی که تار و پودش را فراگرفته و کل حاکمیت را به بن بست کشانده است، روبروست. بحرانی که عامل وجودی اش خود این رژیم است و امروز بدنبال یکسال خیزش انقلابی مردم و انزوای جهانی و خامت بیشتری پیدا کرده است. از همین رو امروز شاهد این هستیم که جمهوری اسلامی در ادامه تحمیل فقر و فلاکت به مردم و در ادامه سیاستهای ریاضت اقتصادی اش با چنین طرحهای اقتصادی ای به جلو آمده و تحت عنوان هدفمند کردن یارانه ها از ایجاد شوک مصرفی و رها کردن قیمت ها بدست بازار و زدن چنبرقاز یارانه ها به مردم و یا تغییر نظام دستمزد براساس کارمزدی سخن میگوید. طرحهایی که تازه نیستند و سالهاست که در دستور این رژیم قرار داشته و شکست خورده اند ولی اکنون رژیم به سیم آخر زده است و دارد آخرین تقلاهایش را میکند و راه دیگری در مقابلش نمانده است. در چنین شرایطی است که این جانیان همه قوانین عهد عتیقی و جنایتکارانه خود را به پیش کشیده اند.

ما همیشه گفته ایم که بحران اقتصادی رژیم علایمی ندارد. چون ریشه اش سیاسی است و ریشه در نفس موجودیت و ماهیت این رژیم دارد. رژیم این طرحهای اقتصادی را در دستور میگذارد و جامعه را زیر حمله قرار میدهد تا برای بقایش زمان بخرد. اما زیر همین تهاجمات، این زندگی و معیشت کارگران و مردم محروم است که به تبااهی کشیده میشود. اگر چه روشن است که چنین طرحهایی برای رژیم سرانجامی ندارد. ۲۰ سال قبل آنهم بعد از کشتار خونین سال ۶۰ بود که کارگران طرحهای اولیه قانون کار جمهوری اسلامی را که اساسش بر "باب الاجاره" بود، بر سر این رژیم کوبیدند و حکومت اسلامی را ناچار به دور ریختن این خزعبلات کردند. بنابراین اکنون که جامعه در چنین فضای ملتهب و رزمنده ای قرار دارد، اکنون که یک سال خیزش انقلابی مردم را پشت سر گذاشته ایم، و مردم مترصدند که از هر فرصتی استفاده کنند و بیرون بیایند، سرانجام چنین طرحهایی و محتوم بودن شکستش روشن است.

از همین روست که خودشان نیز مرتباً دارند از "فتنه اقتصادی" و بحران اجتماعی و شورش مردم سخن میگویند و به یکدیگر هشدار میدهند. برای همین است که احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی شان از احمدی نژاد میخواهد مطلعش کنند که با این طرحهای اقتصادی قرار است چه اتفاقی بیفتد که خود را آماده کنند. اما کارگران و مردم در برابر این تهاجمات می ایستند و قطعاً اجازه نخواهند داد که بیش از این زندگی و معیشت آنها به تبااهی کشیده شود. کارگران خواهان یک زندگی انسانی هستند و این را بارها در تظاهرات و اعتصابات فریاد زده اند.

تغییر نظام دستمزد از روز مزدی به کار مزدی یعنی بازگشت به اوان دوارن پیدایش سرمایه داری و بردگی مطلق کارگران. کارمزدی یا قطعه کاری به معنای اینست که شرایط کار

و شدت کار و دستمزد هیچ مبنای روشنی ندارد و هر کارفرمایی رسماً و حقوقاً مجاز میشود که به هر میزان که خواست به کارگران دستمزد بپردازد. مبارزه علیه این شیوه پرداخت دستمزد، مبارزه قدیمی طبقه کارگر است که این سیستم را به گور سپرده است. واقعیت اینست که طبقه کارگر نیروی کار خود را برای ساعات معینی در اختیار کارفرما قرار میدهد و در ازای آن پول میگیرد. بنابراین اینک در طول ساعات معین کار، چه میزان تولید انجام گرفته و چند قطعه ساخته میشود، دیگر ربطی به میزان دستمزد کارگر ندارد. در نظام دستمزد روزمزدی کارگر با قدرت تشکیل و با مبارزاتش نرخ مزدش را روشن میکند و در ازای پولی که میگیرد کار میکند.

در ایران این "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی است که هر ساله می نشیند و حداقل دستمزد کارگر را تعیین میکند ولی نفس اینک دولت مجبور است هر ساله بر سر میزان حداقل دستمزد کارگران تصمیم بگیرد، نتیجه مبارزات کارگران و تحمیل آن به این جانیان اسلامی و قانون کارشان بوده است. از این رو مساله تعیین دستمزد همواره یک عرصه مبارزه کارگران در ایران بوده و بویژه هر ساله در پایان سال که موعد تعیین حداقل دستمزدهاست این مبارزات شدت بیشتری پیدا کرده است و در این عرصه ما شاهد پیشروی های بسیار در جنبش کارگری در ایران بوده ایم. از جمله دو سال پیش بود که کارگران با طومار حداقل دستمزد در گام اول یک میلیون، با طوماری که ۲۵ هزار امضا حول آن جمع شد و با اعلام اینکه زندگی انسانی حق مسلم ماست و تعیین دستمزد امر خود ما کارگران است، در صفی قدرتمند در برابر جمهوری اسلامی ایستادند. امروز سخن گفتن از تغییر نظام دستمزد از روز مزدی به کار مزدی تهاجم به همه این دستاوردهاست. منوط کردن دستمزد به میزان محصول کار کارگر، مخدوش کردن رابطه کارگر با سرمایه دار بعنوان فروشنده نیروی کار و یک بردگی آشکار است. معنای عملی این کار بالا بردن شدت کار کارگر و تسمه

کشیدن از گردنه کارگر است. اولین نتیجه این شیوه نظام پرداخت دستمزد، فرسودگی زودرس کارگر است. بر اساس این شکل از کار، کارگر ناگزیر است که از غذایش، از استراحتش بزند تا هر چه بیشتر تولید کند که بتواند زنده بماند و تازه هیچ ادعایی هم نمیتواند از جامعه ای که خودش تولید کننده نعماتش است داشته باشد. اگر هم ادعایی داشته باشد او را به میزان محصول تولید شده اش حواله میدهند. بدین ترتیب معنای واقعی این شیوه از پرداخت دستمزد به کارگر، کاهش آشکار سطح دستمزدها و بالا بردن شدت کار و بردگی مطلق است. با این شیوه از کار فشار کار، مثل نیروی سرنیزه بر روی سر کارگر قرار میگیرد و معنای عملی اش تولید هر چه بیشتر و کار هر چه بیشتر برای زنده ماندن است. حال اگر بحران اقتصادی است، اگر مواد اولیه نیست و اگر هر درد و بلائی دیگری نیز بر سر سرمایه دار آمده است، چویش را کارگر میخورد و اوست که برده مطلق کار است.

روشن است که کارگر نباید بهیچ عنوان به چنین شرایطی تن دهد. کارگر مسئول بهتر شدن وضع سرمایه دار نیست. گر زدن کار کارگر به محصول یا نتیجه کار، برای کارگر و برای کل جنبش کارگری عقب گردی از دستاوردهایش و بازگشت به اوان دوران سرمایه داری است و اتفاقاً فرق کارگر مدرن امروزی با هر انسان کارکن دیگر در طول تاریخ بشری نیز همین جاست. همانطور که اشاره کردم کارگر نیروی کارش را بعنوان یک کالا در برابر قیمتی که رویش میگذارد و توازن قوا میان کارگران و سرمایه داران اجازه میدهد، میفروشد و وقتی کارش را فروخت، دیگر انسانی است آزاد مثل همه انسانهای جامعه. پرداخت دستمزد بر اساس کار مزد،

عقبگرد کارگر از موقعیت یک انسان آزاد که کارش را میفروشد و تبدیل او به برده کار است. و روشن است که بدرجه ای که کار کارگران به میزان محصولی که تولید میکنند گره بخورد، هویت مشترک آنها بعنوان کارگر و فروشنده نیروی کار یعنی آن چیزی که در جهان سرمایه داری همه کارگران جهان را بعنوان طبقه کارگر به هم پیوند میدهد، نقض میشود. به بیان روشنتر کارگر کار میکند و سرمایه دار سود میبرد و اینکه سود کارفرما چقدر است، با بحران روبروست یا نه دیگر مساله کارگر نیست. بنابراین گر زدن کار کارگر با حجم تولید، سود سرمایه دار، مرغوبیت تولید، قدرت رقابت واحد، خودکفایی کشور و غیره همه دروغهای طبقه سرمایه دار برای کشیدن کار بیشتر از گردنه کارگر و فرسودگی بیشتر اوست. بطور طبیعی نیز مبارزه کارگر برای بهبود دایمی شرایط کار و زندگی و برای گرفتن مالکیت وسائل تولید و حکومت از دست سرمایه داران است و این وسط معامله دیگری وجود ندارد. اما سرمایه دار همواره تلاش دارد که این رابطه را با مقولاتی مثل "صلاح مملکت"، "صلاح تولید"، وطن، اسلام مخدوش کند. و وقتی هم با بحران روبرو میشود، میکوشد بار بحران را با همین مفاهیم بر دوش کارگر بیندازد. و تا آنجا که به پرداخت نظام دستمزد بصورت کارمزدی مربوط میشود، مبارزه علیه آن و به زیاله دان ریختن آن، یک مبارزه و یک دستاورد قدیمی جنبش کارگری جهانی است. طرح کنونی آن از سوی جانیان اسلامی، اوج ارتجاع و عقبگرد این حکومت است. جمهوری اسلامی را با همه قوانین ارتجاعی اسلامی اش، با قانون کار و همه لوایحش به زیاله دان تاریخ باید سپرد.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!